

An Economic and Jurisprudential Investigation of Income Generation as a Result of Risk Tolerance; Case Study of Futures Contracts

Mahdi Mohammadi*
Mohammad Elahi**

Received: 03/07/2021

Accepted: 06/06/2022

Abstract

Deriving the basic infrastructures of financial and economic systems from the transaction-based propositions and laws that constitute the legal and religious superstructures of Islam in the field of economics is inevitable. This article, therefore, adopts both an analytical-descriptive and Shahid Sadr's return methods to discover and extract infrastructures from superstructures to examine the illegitimacy of income due to risk tolerance as the subject of the contract. The results show that many of the reasons and rules mentioned above cannot be used independently in emerging issues such as contracts with the subject of risk transfer, but these rules are for contracts and transactions that have been independently ratified by the holy *Shari'a*. The terms can be explained only for such contracts, not issues that leave no independent reason to be accepted. In this paper, dynamic financial risk was specifically examined and the effects of the illegitimacy of income obtained from accepting the risk transferred to the other party as the subject of the contract (in the future contract as a case study) were also studied. It seems that the mere transfer of risk for the purpose of covering it is not jurisprudentially and legally independent and can be formulated in the form of cancellation of contracts from the perspective of the Holy *Shari'a*. For example, a futures contract, due to its zero-sum game, is placed under gambling contracts which are void and the income obtained through risk bearing is void and illegal.

Keywords

Risk Tolerance; Gambling; Futures Contract; Zero Sum Games.

JEL Classification: G13, K22.

* Assistant Professor, Management and Planning Faculty, Science and Technology Center of Resistance Economy, Imam Hossein University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
krmohamadi@ihu.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Law, Raja University, Qazvin, Iran.

m.elahi@raja.ac.ir

 0000-0002-7075-0320

بررسی فقهی - اقتصادی درآمدزایی ناشی از تحمل ریسک؛ مطالعه موردی قرارداد آتی

مهدی محمدی*

محمد الهی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۷۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

شناسایی زیربناهای اساسی نظام‌های مالی و اقتصادی از گزاره‌ها و قوانین مربوط به معاملات به‌عنوان روبناهای قانونی و شرعی اسلام در حوزه اقتصاد اجتناب‌ناپذیر است. لذا در این مقاله به روش تحلیلی-توصیفی و نیز با استفاده از روش بازگشتی شهید صدر و استخراج و کشف زیربناها از روبناها عدم مشروعیت درآمد ناشی از تحمل ریسک به‌عنوان موضوع قرارداد مورد مذاقه قرار گرفت. بر اساس نتایج بررسی‌های صورت گرفته، بسیاری از دلایل و قواعد مذکور به‌صورت مستقل قابلیت استفاده در مسائل مستحدثه‌ای همچون قراردادهای با موضوع انتقال ریسک را ندارند، بلکه قواعد مذکور برای عقود و معاملاتی بوده که مستقلاً مورد امضای شارع مقدس قرار گرفته است و قواعد و مناط مذکور برای چنین قراردادهایی قابل تبیین است و نه موضوعاتی که دلیل مستقلاً برای پذیرش آنها وجود ندارد. در این مقاله به‌طور خاص ریسک مالی پویا مورد بررسی و اثرات عدم مشروعیت درآمد حاصل از پذیرش ریسک منتقل شده به‌طرف دیگر به‌عنوان موضوع قرارداد (در قرارداد آتی به‌عنوان یک مطالعه موردی) مورد بررسی قرار گرفت. به نظر می‌رسد صرفاً انتقال ریسک باهدف پوشش آن، از لحاظ فقهی و حقوقی صورت مستقلاً ندارد و در قالب مبطلات قراردادهای از منظر شارع مقدس قابل صورت‌بندی است.

واژگان کلیدی

تحمل ریسک؛ قمار؛ قرارداد آتی؛ بازی‌های مجموع صفر.

طبقه‌بندی JEL: G13, K22

* استادیار، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز علم و فناوری اقتصاد مقاومتی، دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
krmohamadi@ihu.ac.ir

** استادیار، گروه حقوق، دانشگاه رجا، قزوین، ایران

مقدمه

ریسک یکی از مفاهیم بنیانی در توسعه بازارهای مالی و شکل‌دهی رفتار سرمایه‌گذاری است که می‌تواند در اتصال یا انفصال بخش حقیقی اقتصاد (تولید کالاها و خدمات) از بخش پولی و مالی مؤثر باشد. تعیین نگاه مکتب اقتصادی اسلام و تبیین نظریه برآمده از رویناءات حقوقی اسلام (با استناد به روش شهید صدر) در خصوص جواز قرارگیری ریسک در همه شقوق و انواع آن به‌عنوان موضوع قرارداد، می‌تواند جهت‌دهی اساسی را در خصوص نظام مالی اسلام یا فقه معاملات مالی مشخص نماید. اساساً سرمایه‌گذاران و نیز تولیدکنندگان و کارآفرینان بخش واقعی اقتصاد با انواع ریسک‌های سامانمند و غیرسامانمند مواجه هستند. اگر این افراد که بیشتر در بخش واقعی باهدف تولید کالاها و خدمات حقیقی فعالیت دارند، نااطمینانی و ریسک‌های پیش‌روی فعالیت‌های اقتصادی خود را به حداقل برسانند، ترسیم آینده مناسب و ممکن و هدف‌گذاری برنامه کسب‌وکار خود را در افق‌های میان‌مدت و بلندمدت با موفقیت صورت دهند. از سویی دیگر توان رقابت‌پذیری محصولات آن با مشابه خارجی آن بالا خواهد رفت. سؤال اساسی این است که از منظر مکتب اقتصاد اسلامی در مواجهه با ریسک‌هایی که در محیط کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری می‌تواند بخشی از ذهن عوامل اقتصادی را مشغول نماید، چگونه باید باشد. به بیان دیگر آیا قرارگرفتن ریسک به‌عنوان موضوع قرارداد می‌تواند زمینه را برای کسب درآمد مشروع و مطالبه آن درازای صرفاً تحمل و پذیرش ریسک از انتقال‌دهنده ریسک به پذیرنده ریسک فراهم آورد. با توجه به اهمیت طهارت اقتصادی در فعالیت‌ها و مبادلات مربوطه ذیل نظام‌ها و نهادهای مالی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، به نظر می‌رسد شناسایی زیربناهای اساسی نظام‌ها مالی و اقتصادی از گزاره‌ها و قوانین مربوط به معاملات به‌عنوان رویناهای قانونی و شرعی اسلام در حوزه اقتصاد اجتناب‌ناپذیر باشد. بر این اساس بررسی و مذاقه در ملاک‌های مربوط به مشروعیت درآمد ناشی از تحمل ریسک در زمینه‌های مختلف ضروری است زیرا در صورت احراز مشروعیت درآمد ناشی از تحمل ریسک می‌تواند به‌عنوان یکی از زیربناهای اقتصادی در معاملات و ساختارها و نهادهای نظام اقتصادی اسلام مورد استفاده قرار گیرد. عدم احراز مشروعیت موضوع مذکور می‌تواند

ساختارهای قراردادهای و مبادلات اقتصادی و مالی اسلامی را تحت تأثیر قرار دهد. لذا در این مقاله پس از مرور مطالعات انجام شده در خصوص مشروعیت درآمدزایی تحمل ریسک، مفهوم ریسک تشریح خواهد شد. در ادامه بعد از گزینش ریسک پویای مالی به عنوان مفهوم مورد بررسی ریسک از منظر شرعی، دسته بندی موافقان و مخالفان مشروعیت درآمدزایی تحمل ریسک صورت خواهد گرفت و بعد از تبیین و نقد ملاکات و قواعد و مستندات مربوط به موافقان مشروعیت درآمدزایی تحمل ریسک، ملاکها و مستندات مستفاد توسط مخالفان این موضوع برای رد مشروعیت درآمد ناشی از تحمل ریسک مورد تبیین قرار خواهد گرفت. لذا بر اساس ملاکات استخراج شده از روایات اسلامی، عدم مشروعیت درآمدزایی تحمل ریسک استنباط خواهد شد. قرارداد آتی و ماهیت حقوقی آن و صحت آن به عنوان یکی از مصادیق قراردادهایی که انتقال ریسک به عنوان موضوع قرارداد لحاظ شده است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در قسمت جمع بندی دلالت عدم مشروعیت درآمد ناشی از تحمل ریسک در ساختارها و قراردادهای مالی به صورت اجمالی تبیین خواهد شد. و شیوه مورد قبول از منظر مکتب اقتصاد اسلامی در موضوعات مربوط به پوشش ریسک مالی و اقتصادی پیشنهاد خواهد شد. هر چند الگوی مورد قبول پوشش ریسک در موضوعات مختلف اقتصادی نیاز به مطالعه ای جداگانه خواهد داشت.

۱. مطالعات انجام شده و دسته بندی نظرات موافق و مخالف

موسوی و رئیسی (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان «تحلیل فقهی و اخلاقی ریسک تجاری و مقایسه آن با غرر با تأکید بر قواعد عام درآمدزایی مخاطره»، ضمن تحلیل ریسک تجاری و مقایسه آن با غرر، به بررسی مبنای مشروعیت فقهی و روایی اخلاقی درآمدزایی ریسک می پردازد. شهید صدر در اثر مهم خود اقتصادنا، ریسک و مخاطره از نهاده های تولید نمی داند، لذا نباید از بابت تحمل آن به شخص پذیرنده ریسک، درآمد تعلق گیرد (صدر، ۱۴۱۷ق، ص. ۶۰۱).

صادقی شاهدانی و پاکذات (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان «بررسی شبهه قماری بودن در مورد معاملات مجموع صفر»، با بررسی شبهه قماری بودن معاملات در قالب

بازی‌های مجموع صفر، به این نتیجه می‌رسد که بر اساس نظر غالب فقهای امامیه معامله مجموع صفر قماری نیست. در مقابل مطالعه فوق واعظ و معینی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «سفته‌بازی کوتاه‌مدت در بازارهای اقتصادی و مالی (بررسی فقهی-اقتصادی)»، سه عقد محرمه بیع غرری، مقامره و رهان را به‌عنوان بازی‌های حاصل جمع نامشبت با شروط رهن‌گذاری معین برای پاداش معین/ نامعین و وجود قاعده بردو باخت توصیف می‌کند که نتیجه آن جابجایی ثروت به دلایل غیراقتصادی است و نهایتاً عنوان می‌دارد که ابتدای ورود به رهان بر پیش‌بینی و تخمین موجب حلیت و مشروعیت آن نمی‌شود.

موسویان و علیزاده (۱۳۹۴- الف) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه ریسک و غرر در بازارهای مالی اسلامی»، با لحاظ ریسک مالی، به‌عنوان تغییرپذیری بازدهی از آنچه مورد انتظار است، رابطه میان ریسک استاندارد مالی و غرر را متباین در نظر می‌گیرد، از سویی دیگر ریسک در معنای عدم‌اطمینان در سرمایه‌گذاری، دارای رابطه عام و خاص مطلق با غرر خواهد بود. موسویان و علیزاده (۱۳۹۴- ب) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی ضابطه غرر در معاملات جدید» به بررسی مفهوم غرر در کتب و منابع فقهی پرداخته و معانی مختلفی را برای مفهوم غرر احصاء کرده است. در نهایت ایشان وجود دو ویژگی را برای تشخیص معاملات غرری تعیین‌کننده می‌داند که عبارتند از اینکه اولاً جهالت یا ابهام نسبت به مورد معامله و سایر ارکان عقد وجود داشته باشد؛ ثانیاً خطر یا احتمال وقوع زیانی وجود دارد که از نظر عرف قابل توجه باشد.

موسویان و علیزاده (۱۳۹۴) در استنباط تباین ریسک مفید از غرر با توجه به توضیحات فوق، گفته است: «اگر ریسک مالی، تغییرپذیری در بازدهی یا احتمال وقوع بازدهی متفاوت از بازده مورد انتظار تعریف شود، رابطه میان ریسک استاندارد مالی و غرر متباین خواهد بود.» و از آنجایی که ایشان قائل به پذیرش ریسک به‌عنوان دلیل مشروعیت تعلق حصه‌ای از سود به مالک در مضاربه هستند و با استفاده از قاعده من له الغنم فعلیه الغرم، مشروعیت درآمد ناشی از تحمل ریسک را مفروض در نظر گرفته‌اند، هدف خود را تنها تعیین مرز بین ریسک و غرر و شناخت رابطه آن‌ها با یکدیگر لحاظ

کرده‌اند. درحالی‌که مقدمه مشروعیت درآمد ناشی از پذیرش ریسک به‌عنوان موضوع قرارداد خودش نیاز به دلیل مستقل دارد.

غفاری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «مشروعیت ریسک مالی از دیدگاه آموزه‌های اسلامی»، خلق ارزش جدید را لازمه مشروع بودن تحمل ریسک (مفید مولد و قابل کنترل) از دیدگاه اسلام می‌داند. صاحب جواهر مطلق خطری که مشتمل بر مواردی همچون قدرت بر تسلیم مبیع و... باشد مؤثر بر پیدایش غرر نمی‌داند (نجفی، ۱۹۸۱م) مراغی نیز به‌طور کلی، هر معامله‌ای را که مبتنی بر خطر باشد، داخل در معامله غرری آورده است (مراغی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص. ۳۱۴) محقق خوئی بر این باور است که منشأ این خطر، خواه جهل نسبت به قدرت بر تسلیم باشد، خواه جهل نسبت به اوصاف کمی و کیفی مورد معامله، تفاوتی ندارد و درهرحال، این امر فساد معامله را در پی خواهد داشت (خوئی، ۱۴۱۲ق). تسخیری (۱۳۹۲) به دلایل نفی غرر و میزان اثرگذاری آن در معاملات پرداخته است. سلطانی (۱۳۸۵) به بررسی معاملات غرری در شرکت‌های سرمایه‌گذاری پرداخته است.

بکناش (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مشروعیت درآمدزایی «ریسک و مخاطره» در بازارهای مالی از دیدگاه فقه امامیه»، از تحلیل روبناهایی چون قاعده تابعیت خراج از ضمان، قاعده تابعیت منفعت از ضرر، عدم استحقاق سود از دارایی ضمانت نشده، قاعده تلازم بین منفعت و خسارت و همچنین ممنوعیت ربا استخراج شده است.

طیبی و خانی‌زاده (۱۳۹۱) با تحلیل «کسب‌وکار غیرکارآفرینانه در اقتصاد اسلامی»، از منظر فقهی این‌گونه استدلال می‌نمایند که از دیدگاه شریعت ریسک‌پذیری و نااطمینانی در فعالیت‌های مجموع مثبت و کارآفرینانه تأیید می‌شود و ریسک‌پذیری در فعالیت‌های غیرکارآفرینانه و حاصل جمع صفر یا منفی رد می‌شود.

خلیلی عراقی، نوبهار و قائمی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «کاربرد از نظریه بازی‌ها در اقتصاد اسلامی»، با استفاده از نظریه بازی‌ها معاملات غرری را مدل‌سازی نموده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که معاملات غرری منجر به تحمیل هزینه اضافی و کاهش مطلوبیت جامعه می‌شوند.

شعبانی و بهاروندی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «قراردادهای آتی‌ها و اختیار معامله ارزی از دیدگاه فقهی و اقتصادی»، قرارداد آتی‌ها و اختیار معامله ارزی را به‌عنوان روش‌های پوشش ریسک نوسانات ارزی، با رویکرد فقهی مورد بررسی قرار داده‌اند و با استفاده از روش استنباطی و رویکرد فقهی، مشروعیت استفاده از این ابزارها را به شرط اعمال الزامات و شرایط سخت‌گیرانه قانونی، نتیجه‌گیری نموده‌اند.

مصباحی‌مقدم و صفری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «غرر در معاملات اختیارات بر روی سهام از دیدگاه فقه امامیه»، درآمد ناشی از تحمل چنین ریسک مفید، مولد و قابل کنترل را مشروع ارزیابی کرده‌اند.

مصباحی‌مقدم و رستم‌زاده (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «غرر در معاملات اختیارات بر روی سهام از دیدگاه فقه امامیه»، به بررسی فقهی قرارداد اختیار معامله پرداخته و غرری بودن آن را مورد تحلیل قرار داده است. ایشان با توجه به نقش اتاق پایاپای شبیه غرری بودن را رفع شدنی عنوان می‌نماید.

فطانت‌فرد (۱۳۷۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «ارزش زمانی پول از دیدگاه مدیریت مالی و فقه جعفری» بیان می‌نماید که استحقاق عرضه‌کننده ریسک از درآمد پدیده آمده را صحیح ارزیابی می‌نماید.

یونس مصری (۱۴۱۳ق) در کتاب «اصول اقتصاد اسلامی»، بیان می‌نماید که اسلام به‌منظور مأموس کردن افراد با ریسک و مخاطره، از بازدهی دارایی بدون ریسک و مخاطره منع می‌کند و معتقد است در اقتصاد اسلامی ریسک و مخاطره از عوامل تبعی تولید و ایجادکننده ارزش افزوده است.

قلعه‌چی (۱۴۱۲ق) در کتابی با عنوان «مباحث فی الاقتصاد الاسلامی من اصوله الفقہیہ» بیان می‌نماید که در فقه اسلامی استحقاق سود به‌واسطه کار و ریسک و مخاطره تحقق می‌یابد.

الجمال^۱ (۲۰۰۱م) بسیاری از موقعیت‌های غرری را خارج از مجموعه بازی‌های مجموع صفر با بازدهی نامطمئن در نظر می‌گیرد. یوسف خلیف^۲ (۲۰۰۵م) نیز بازی مجموع صفر را به‌عنوان دسته سوم از انواع ریسک در نظر می‌گیرد که ارزش افزوده‌ای ندارد و از مصادیق عقد غرری می‌داند.

سویلیم^۳ (۲۰۱۲م) و عبدالله و عویضه (۲۰۱۰م) پذیرش ریسک را در صورتی مورد قبول می‌دانند که ریسک مذکور همراه با انجام یک فعالیت یا افزایش سرمایه و ثروت باشد. بر این اساس ایشان انتقال ریسک قراردادهای بیمه و مشتقات را غیرقابل پذیرش می‌دانند.

در مجموع می‌توان تحلیل‌کنندگان مشروعیت درآمد ناشی از ریسک را به دودسته تقسیم کرد که مخالفان عبارتند از برخی اهل تسنن، شهید صدر و...؛ دسته دوم که تفکیکی بین ریسک همراه با انجام کار یا بقای رابطه مالکیت انجام نداده‌اند و اساساً با توجه به تحلیل‌های مربوط به لزوم مشارکت در سود و زیان و تبیین تفاوت اساسی مضاربه و قراردادهای مشارکتی با قرض به این صورت که در قرض اصل مال تضمین می‌شود لذا نباید بهره و سودی به قرض‌دهنده تعلق بگیرد، درحالی‌که در مضاربه ریسک کاهش اصل سرمایه توسط مالک تحمل می‌شود، حلیت درآمد ناشی از تحمل ریسک را نتیجه گرفته‌اند؛ و این حکم نتیجه گرفته‌شده را تلویحاً مبنای صحت قرار گرفتن ریسک به‌عنوان موضوع قرارداد لحاظ کرده‌اند. بسیاری از قواعد دیگر وجود دارد که در مجموع موافقان مشروعیت درآمد ناشی از تحمل ریسک به‌عنوان موضوع قرارداد آن‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. لذا موافقان مشروعیت درآمد ناشی از تحمل ریسک (حتی درجایی که ریسک موضوع قرارداد قرار گیرد) مبنای بطلان و رد شرعی را غرری شدن معامله در نظر گرفته‌اند؛ و «با استناد به روایت نهی النبی عن بیع الغرر»، در تلاش برای بیان تباین ریسک مفید که به آینده دارایی مربوط است با غرر که به ناطمینانی و ناشی از ابهام و جهل در ارکان قرارداد است، برآمده‌اند.

لذا در ادامه این مقاله به روش تحلیلی- توصیفی و نیز با استفاده از روش بازگشتی شهید صدر و استخراج و کشف زیربناها از رویناها عدم مشروعیت درآمد ناشی از تحمل ریسک به‌عنوان موضوع قرارداد مورد مذاقه قرار خواهد گرفت. بسیاری از دلایل و قواعد مذکور به‌صورت مستقل قابلیت استفاده در مسائل مستحدثه‌ای همچون ریسک را ندارند بلکه قواعد مذکور برای عقود و معاملاتی است که مستقلاً مورد امضای شارع مقدس قرار گرفته است و قواعد و مناط مذکور برای چنین قراردادهایی قابل تبیین است و نه موضوعاتی که دلیل مستقلی برای پذیرش آن‌ها وجود ندارد. در این مقاله به‌طور

خاص ریسک مالی پویا (که دارای سه حالت سود و زیان و عدم زیان است) مورد بررسی و به عنوان مطالعه موردی تشریح خواهد شد؛ و اثرات عدم مشروعیت درآمد حاصل از پذیرش ریسک منتقل شده به طرف دیگر به عنوان موضوع قرارداد (در معاملات مشتقه همچون آتی) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. مفهوم ریسک و انواع آن

ریسک شرایطی است که در آن احتمال انحراف منفی از نتیجه مطلوب که انتظار می رود یا برای آن آرزو می شود وجود دارد. اول، در این تعریف، خطر یک شرط از دنیای واقعی است، این ترکیبی از شرایط موجود در محیط بیرونی است. به همین ترتیب، در این ترکیب از شرایط، احتمال از دست دادن وجود دارد. دوم، وقتی می گوئیم یک رویداد ممکن است، منظور این است که احتمالاً بین صفر و یک است؛ نه غیرممکن است و نه قطعی. سوم، هیچ الزامی وجود ندارد که این امکان قابل اندازه گیری باشد بلکه فقط باید وجود داشته باشد (Vaughan & Vaughan, 2014, p. 2).

از منظر مدیریت مالی ریسک وضعیتی تعریف شده که در آن وقوع پیشامدها احتمالی است در چنین وضعیتی پیشامدها توزیع احتمال دارند. مهم ترین منبع ریسک عدم اطمینان از وضعیت اقتصادی در آینده است (Abrol & Sharama, 2003, pp. 892-893).

ریسک را می توان به سه طبقه تقسیم کرد که عبارتند از:

۱. ریسک خالص^۴: ریسکی است که فقط دو پیشامد زیان (نامساعد) و عدم زیان (خستگی) دارد
۲. ریسک سوداگرانه^۵: ریسکی است که در آن علاوه بر احتمال زیان، احتمال سود نیز وجود دارد. به عنوان مثال اگر قیمت سهامتان افزایش یابد سود خواهید کرد و اگر قیمت آن کاهش یابد زیان خواهید نمود.
۳. ریسک های بازار^۶: این ریسک ها شامل تغییرات نامساعد قیمت (به عنوان مثال) مواد خام، تغییرات سطح عمومی قیمت ها (تورم)، تغییر ترجیحات مصرف کننده، تغییرات فناورانه، افزایش رقابت قیمتی بین رقابت کنندگان (نرخ شکنی) می شود (Rejda, 2011, p. 59).

البته در تقسیم‌بندی دیگری ریسک‌های بازار را در چهار دسته «ریسک قیمت سهم»، «ریسک نرخ ارز»، «ریسک قیمت کالا» و «ریسک نرخ بهره» تقسیم می‌نمایند. تأمین مالی ریسک بر سه قسم «نگهداری»، «انتقال‌های غیربیمه‌ای»، «بیمه» قابل دسته‌بندی است. انتقال‌های غیربیمه‌ای، یکی از روش‌های مدیریت ریسک است. در این روش، ریسک منتقل می‌شود هرچند که طرف پذیرنده ریسک شرکت بیمه نیست. انتقال مذکور می‌تواند به چندین روش صورت پذیرد که عبارتند از؛

- انتقال ریسک به وسیله قراردادها: ریسک‌های نامطلوب از طریق قرارداد قابل انتقال‌اند. به‌عنوان مثال خرید خدمات پس از فروش برای یک کالای مصرفی مدت‌دار. یا ریسک ناشی از افزایش مبلغ اجاره می‌تواند از طریق یک قرارداد بلندمدت اجاره منتقل شود.

- پوشش ریسک‌های قیمتی^۷: پوشش ریسک‌های قیمتی، قسم دیگری از انتقال ریسک به‌عنوان یکی از فن‌های تأمین مالی ریسک است. هجینگ، فنی است که ریسک ناشی از نوسانات نامطلوب قیمت را با خرید یا فروش قراردادهای آتی در یک مبادله سازمانی، مانند بورس اوراق بهادار نیویورک، به سفته‌باز منتقل می‌نماید. برای مثال مدیر مالی اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا را خریداری کرده و او نگران کاهش قیمت بازاری آن است. لذا به‌منظور پوشش و انتقال ریسک ناشی کاهش قیمت آن در نتیجه افزایش نرخ بهره، اقدام به خرید قرارداد آتی اوراق قرضه اسناد خزانه می‌نماید. تا بتواند ریسک کاهش قیمت را از طریق قرارداد آتی مذکور به سفته‌باز منتقل نماید. ریسک‌های قیمتی ذیل ریسک بازار که نوعی ریسک سوداگرانه و سامانمند^۸ است قرار می‌گیرد. ریسک‌های بازار بیمه‌پذیر نیستند. ریسک بازار که دربرگیرنده تورم و نوسانات قیمت دارایی می‌شود با متنوع‌سازی سبد دارایی‌ها، کاهش نمی‌یابد (Rejda, 2011, pp. 31-44).

در این مقاله بررسی فقهی و اقتصادی انتقال ریسک و قرارگرفتن ریسک به‌عنوان یک موضوع قرارداد و جواز اخذ درآمد از طریق صرفاً تحمل و پذیرش ریسک،

صورت خواهد گرفت و به‌طور خاص بر مشروعیت پوشش ریسک نوسان قیمتی به‌عنوان یکی از اقسام تأمین مالی ریسک پرداخته خواهد شد.

۳. تبیین مستندات و دلایل موافقان مشروعیت درآمد حاصل از تحمل ریسک و نقد آن
در مذاهب شافعی و مالکی، استحقاق سود به‌واسطه ضمان پذیرش مخاطره پذیرفته نیست. در مقابل حنفی‌ها و حنبلی‌ها معتقداند استحقاق سود به‌واسطه سرمایه، کار یا ضمان پذیرش مخاطره است. در فقه شیعه می‌توان شواهدی برای رویکرد دوم یعنی منشأ درآمد بودن تحمل ریسک یافت. برای نمونه بیشتر فقهای شیعه عقد بیمه و ضمانت‌های بانکی را از طریق عقد ضمان تجویز می‌کنند. این امر می‌تواند به این مفهوم باشد که از نظر شیعه ریسک و مخاطره می‌تواند منشأ استحقاق درآمد باشد (بکتاش، ۱۳۹۱). در ادامه به مهم‌ترین دلایل مشروعیت درآمد حاصل از پذیرش ریسک می‌پردازیم.

۳-۱. قاعده الخراج بالضمان

به‌نظر می‌رسد معنای کلی و جامع واژه ضمان در قلمرو فقه مالی به‌خصوص در باب معاملات و اقتصاد اسلامی تنها به معنی وجوب پرداخت خسارت و درک یا بازگرداندن عین مال نیست، بلکه به مفهوم حکم وضعی پذیرش مخاطره مال در عهده است. ازجمله آثار آن وجوب تکلیفی پرداخت خسارت و درک است و ضمان، مفهوم و حقیقتی واحد به معنی پذیرش مخاطره مال در عهده دارد (بکتاش، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۲).

موافقان مشروعیت درآمد ناشی از تحمل ریسک، امان را در مقابل ضمان قرار داده و از روایات استنباط می‌شود که معنای پذیرش مخاطره در عهده از واژه ضمان مستنبط است. همچنین در روایات ذکر شده است که محسن ضامن نبوده و این به معنای آن است که حکم وضعی ضمان بر عهده محسن نیست.

این عده پس از بیان مفردات قاعده الخراج بالضمان به دلالت قاعده مذکور می‌پردازند و بیان می‌دارند که به اقتضای مناسبت حکم و موضوع پذیرش ریسک اختیاری است نه اینکه ضمان قهری منظور باشد. از مناسبت حکم و موضوع استفاده می‌شود هر شخصی که دارایی را متعهد شود و ریسک و مخاطب آن را در عهده‌اش

قرار دهد آنگاه منفعت و بازدهی آن دارایی برای آن شخص است به این دلیل که شخص عاقل دارایی را متعهد نمی‌شود مگر به جهت اینکه نمای آن دارایی و منفعت و بازده آن را به تملک درآورد و نما و منفعت و بازده آن دارایی را در خواسته‌هایش به کار گیرد. این مناسبت حکم و موضوع، اختصاص به ضمان جعلی اصلی و فرعی که شارع امضا نموده است دارد. ایشان در قسمت مدارک و مستندات قاعده الخراج بالضمنان به احادیث و قاعده اقدام اشاره نموده‌اند با این توضیح که بنای متعاملان در اقدام به معامله این است که یک‌طرف در مقابل پذیرش مخاطره طرف دیگر مقداری از منفعت و ارزش اضافی دارایی را قرار بدهد.

اما به دلایل زیر می‌توان گفت که استدلال به الخراج بالضمنان برای مشروعیت درآمد حاصل از ریسک مخدوش است:

الف) روایات مورد استناد در خصوص قاعده الخراج بالضمنان از روایات مرسل بوده (انصاری، ۱۴۲۹ق، ص. ۲۰۱) و این قاعده از لحاظ سندیت بسیار ضعیف است. منتها اگرچه از طریق عامه رسیده ولی مورد استناد فقهای امامیه بوده و شیخ طوسی نیز در کتاب مبسوط به آن استدلال کرده است (بهرامی، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۷).
ب) معنای قاعده آن است که منظور از ضمان (که خراج در مقابل آن آمده) این است که التزام و تعهد و خسارت آن شیء بر عهده آن‌کس است با امضا و تأیید شارع. در فقه امامیه گفته‌اند که بیع فاسد و غصب از شمول این قاعده خارج‌اند ولی در فقه حنفیه غصب را مشمول قاعده می‌دانند و غاصب را ضامن منافع مال نمی‌دانند (بهرامی، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۵). بنابراین برای آنکه خراج برای کسی باشد که ضامن بوده و ریسک برعهده اوست باید امضا و تأیید شارع باشد. این در حالی است که خود امضای شارع در خصوص تقابل ریسک صرف و منفعت محل بحث ماست و ما معتقدیم که تحمل ریسک به‌تنهایی نمی‌تواند ارزش اقتصادی داشته باشد. بنابراین زمانی می‌توانیم برای اثبات ارزش اقتصادی داشتن تحمل ریسک به الخراج بالضمنان استناد کنیم که از خراج با دلیل معتبر دیگری تأیید شارع را کسب نماییم.

ج) قاعده الخراج بالضمنان و تلازم درک و نما و قاعده من له الغنم فعلیه الغرم همه در واقع یک قاعده‌اند و نمی‌توان این سه قاعده را مجزا و مستقل از هم دانست. بنابراین، در هر سه قاعده مذکور باید از خارج، صحت و تأیید شارع در خصوص ارزش اقتصادی داشتن تحمل ریسک اثبات گردد تا بتوان به این قواعد استناد کرد.

ممکن است کسی در مقابل، خدشه وارد نماید که طرفین در عقد بیمه و عقود مشابه علیه خود اقدام کرده‌اند و ریسک یک‌طرف قرارداد برعهده طرف دیگر قرار گرفته است و بنای عقلاً نیز حکم می‌کند که وی به دلیل قبول مسئولیت، صاحب منفعتی گردد، منتها این استدلال به غایت ضعیف و مردود است، زیرا همین اقدام نیز در بیع فاسد وجود دارد و فقهای عامه نیز به آن استناد نموده‌اند؛ پس چرا فقه امامیه آن را نپذیرفته است؟ توضیح آنکه اگر «الف» خانه خود را به «ب» بفروشد و بعد از مدتی معلوم گردد که بیع فاسد بوده نه تنها ب ضامن موضوع قرارداد است و باید فوراً خانه را به «الف» تسلیم نماید بلکه وی ضامن اجرت‌المثل ایام تصرف در مقابل مالک نیز است؛ این در حالی است که «الف» خود اقدام به بیع کرده و به همین دلیل نباید وی را مالک اجرت‌المثل ایام تصرف طرف «ب» دانست.

درحالی‌که اقدام طرفین به ضمان و منفعت در صورت بیع صحیح بوده و اگر می‌دانستند که بیع فاسد است اصلاً چنین اقدامی نمی‌کردند. حال اگر معلوم گردد که اصلاً طرفین نمی‌توانند ریسک را موضوع قرارداد خود قرار دهند و عقد باطل باشد باز هم استدلال به اقدام مردود است. از سویی به دلیل قاعده مایضمن بصحیححه یضمن بفاسده، طرف «ب» ضامن است و ریسک مال در تصرف وی بر عهده اوست و باید به واسطه قاعده الخراج بالضمنان وی را مالک منافع خانه دانست، درحالی‌که فقه امامیه چنین برداشتی را نپذیرفته و با وی همچون غاصب رفتار می‌کند.

د) در صورتی‌که از این قاعده ارزش اقتصادی تحمل ریسک را استنباط می‌کنیم چرا بیع فاسد و غصب را خارج از قاعده می‌دانیم؟ چرا همچون برخی از مذاهب اهل تسنن برای غاصب که تحمل ریسک مال غصبی را نموده به اشد احوال حکم می‌کنیم؟ اگر قائل به این ادعا هستیم که تحمل ریسک ارزش اقتصادی دارد پس

غاصب هم باید نفعی ببرد. ممکن است استدلال نمایند که تحمل ریسک مشروع منظور نظر است و این در حالی است که غصب فعلی نامشروع است. ولی این استدلال مخدوش است زیرا غاصبی که در حکم غاصب بوده و بدون علم ملکی را غصب نموده فعل نامشروعی نکرده و باید تفاوتی میان او و غصب عدوانی قائل شد.

ممکن است در مقابل چنین استدلال گردد که اگر کسی که در حکم غاصب است و علمی به غصبی بودن ملک ندارد ملک مورد نظر را بیمه نماید و قبل از ایجاد حادثه، غصب وی ثابت گردد بیمه‌گر موظف به پرداخت خسارت به مالک واقعی است و نمی‌تواند به بیمه‌گذار وجهی را اعطا نماید. در پاسخ به این استدلال باید گفت این ملکیت است که تعیین‌کننده ذی‌حقی و مشروع بودن ریسک است و صرف تحمل ریسک بذاته بدون در نظر گرفتن مالکیت، نمی‌تواند دلیل بر مشروعیت تحمل ریسک باشد.

۲-۳. قاعده من له الغنم فعلیه الغرم

ایشان معنای این قاعده را این‌گونه بیان می‌دارند که هر کس خطر دارایی را به عهده گرفته از منافع و سود دارایی هم برخوردار است. عکس این قاعده چنین است: هرکس از سود دارایی برخوردار شود باید خسارات وارده بر دارایی را هم بر عهده بگیرد؛ بنابراین کسی که فایده دارایی برای او است غرامت آن دارایی نیز بر عهده اوست. مورد قاعده جمع معاملات صحیح است اما عقود فاسد و غصب و غیر آن از شمول قاعده خارج است. موافقان مشروعیت پذیرش ریسک، مستندات قاعده را نیز بنای عقلا و روایات وارد می‌دانند.

این قاعده بیان دیگری از قاعده الخراج بالضمن است؛ بنابراین هر اشکالی که در استناد آن قاعده مطرح شد بر این قاعده نیز وارد است. در واقع در قاعده الزعیم غارم که بیان‌شده غارم همان ضامن است می‌توان بیان کرد که غرم در این قاعده همان ضامن بوده و این قاعده بیان دیگری از قاعده الخراج بالضمن است. اما اگر غرم را همان ضامن ندانیم بلکه معنای لغتی آن را مطرح نماییم که «هو الالتزام أو التعهد فی أداء

الشیء أو فی عمل لم یکن واجباً علیه و یقال له بالفارسیة: تاوان» (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص. ۲۴۷)، آنگاه این اشکال وارد می‌شود که به دلیل آنکه اعمال و اشیاء غیرواجب را در برمی‌گیرد شامل تعهدات قراردادی و غیرقراردادی خواهد بود. درواقع از مصادیق غرم را ادای دینی که بر شخص واجب نباشد بیان نموده‌اند. نتیجه آنکه نه‌تنها در قراردادها هر کس که نفعی می‌برد باید تاوان آن نفع را نیز بپردازد، بلکه در تعهدات خارج از قرارداد همچون غضب نیز هر مسئولیتی که به غاصب می‌دهیم باید نفع و سود آن اعمال را نیز به او دهیم. همان‌گونه که در بحث الخراج بالضمن بیان شد تنها برخی فرق فقه عامه این نظر را پذیرفته‌اند. اما اگر اشکال شود که این قاعده تنها شامل غرم و غنم مشروع است و غضب از شمول این قاعده خارج است، می‌توان استدلال نمود که در مصادیق آن از تاوان عمل حرام نیز گفته‌اند و به آیه ۶۵ سوره فرقان استناد کرده‌اند و در این آیه عذاب جهنمی که تاوان اعمال حرام است مشمول معنای غرم بوده و بنابراین نمی‌توان عمل غضب را از شمول قاعده خارج نمود. علی فرض مشمول نبودن غضب و بیع فاسد در این قاعده، چگونه می‌توان تحمل ریسک را همان تاوان دانست؟ تاوان در مرحله فعلیت امر است درحالی‌که تحمل ریسک تنها بالقوه بوده و نمی‌توان در عرف تحمل ریسک را تاوان نامید.

۳-۳. قاعده عدم استحقاق ربح ما لایضمن

بدین معنا که تعلق سود، بازده و ارزش‌افزوده به دارایی‌ای که ریسک آن توسط مالک پذیرفته‌نشده، ممنوع است. نهی در این قاعده مقتضای فساد نیست. بنابراین بر اساس این قاعده اگر مال در تصرف کسی باشد و تلف آن بر عهده وی نباشد ارزش‌افزوده‌ای از آن به او تعلق نخواهد داشت. عکس این قاعده نیز بیان می‌دارد اگر ریسک دارایی بر عهده کسی باشد سود آن نیز برای وی است (بکناش، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۱).

در این قاعده نیز مشکل در فهم ضمان است. ضمان با تحمل ریسک متفاوت است و نمی‌توان این قاعده را در جهت اثبات ارزش اقتصادی تحمل ریسک استفاده نمود، زیرا مثال نقض آن مضاربه با شرط مندرج در ماده ۵۵۸ قانون مدنی است که توضیح آن بعداً خواهد آمد.

۳-۴. قاعده تلازم میان نما و درک

این قاعده به این معناست هرکس که مالک نمائات مالی باشد، مسئول خسارات وارده بر آن نیز است. مثلاً وقتی کسی مالک شیر و پشم گوسفند شود مسئول خسارات وارده بر گوسفند نیز هست. همچنین عکس قاعده نیز صحیح است ولی مرحوم امام خمینی (ره) تنها الخراج بالضمان می‌داند و بنابراین هر کس ضامن است و مسئولیتی نسبت به گوسفند دارد، منافع و نمای گوسفند نیز از آن اوست ولی کسی که نمای گوسفند از آن اوست الزاماً ضامن آن مال نیست.

این قاعده نیز بیان دیگری از قاعده الخراج بالضمان است و همان اشکالات مذکور در خصوص این قاعده نیز وجود دارد.

۳-۵. قاعده منع ربا

موافقان ارزش اقتصادی داشتن تحمل ریسک، دلیل حرمت ربا را انتقال ریسک مال از سمت قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده می‌دانند و چون قرض‌دهنده هیچ‌گونه ریسکی را از بابت تلف مال تحمل نمی‌کند مستحق اجرتی نیست و اگر اجرتی از این بابت نصیب وی گردد ربا و حرام خواهد بود.

این استدلال مخدوش است زیرا به قرینه آیه که می‌فرماید: (احل الله البیع و حرم الربا) بحث اصلی بر مالکیت است و نه تحمل ریسک. بدین معنا که وجه ممیز بیع و ربا، انتقال مالکیت است، زیرا هرچند در قرض، مالکیت مال قرض داده‌شده به قرض‌گیرنده منتقل می‌گردد ولی مقداری از ریسک هنوز برای قرض‌دهنده وجود دارد. ممکن است قرض‌گیرنده مال را در اجل به قرض‌دهنده مسترد نکند و اگر قائل به ارزش اقتصادی تحمل ریسک باشیم باید برای چنین تحمل ریسکی پولی برای قرض‌دهنده قائل باشیم. این در حالی است که هرگونه اضافه‌ای برای قرض‌دهنده حرام است.

۳-۶. تفاوت میان ریسک تجاری و ریسک منهی

استدلال بعدی آن است که ریسک تجاری با ریسک منهی که باعث غرری شدن معامله می‌گردد متفاوت است و بنابراین نباید این ریسک با ریسک‌های دیگر خلط کرده و

تحمل ریسک تجاری که باعث غرری شدن معامله نمی‌گردد مشروع است. توضیح آنکه ممکن است در بیعی طرف «الف» به طرف «ب»، پیشنهاد کند که یکی از دو خودروی پژو و پراید را به قیمت مثلاً چهل میلیون تومان می‌فروشم و طرف «ب» هم قبول کند. چنین بیعی به دلیل عدم تعیین موضوع معین، غرری و محکوم به بطلان و ریسک آن منهی است ولی در همین بیع مذکور اگر ثمن معامله به دلار باشد، تغییر در ارزش دلار در زمان تنظیم سند رسمی، مشتری را با ریسک مواجه می‌کند و به این واسطه مشتری در تأمین ثمن با خطر افزایش قیمت روبرو می‌شود، هرچند که معامله مذکور غرری نیست.

در پاسخ به این استدلال باید گفت که هرچند بتوان رابطه ریسک و غرر را تبیین یا عموم و خصوص من وجه دانست ولی آنچه در این مقام مهم است مشروعیت درآمد حاصل از تحمل ریسک است. آیا می‌توان بدون واسطه‌ای همچون مالکیت، صرفاً با انتقال ریسک، درآمدی را برای متحمل ریسک در نظر گرفت و آن را مشروع دانست؟ تحمل ریسک تنها اثر عقد است. در واقع این ضمان است که ریسک را جابجا می‌کند. در عقود همچون مضاربه و مزارعه، که انتقال ضمان صورت پذیرفته و مالک همچنان می‌تواند از منافع مال خود بهره‌مند گردد، آیا می‌توانیم برای مالک به دلیل تحمل ریسک اجرتی قائل شویم؟ در همین عقود اگر به حکم تکلیفی، ریسک به منتقل الیه برگردد آیا اجرتی برای مالک نخواهد بود؟ ممکن است به حکم ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل آزادی قراردادها حکم به صحت چنین عقدی کنیم منتها این به شرطی است که موضوع قرارداد از موضوعات صحیح بوده و باعث اشکالاتی همچون غرر و قمار و ربوی بودن نگردد.

۴. بررسی و تبیین دلایل و مستندات مربوط به مخالفان مشروعیت درآمد حاصل از تحمل ریسک

۴-۱. مشروعیت درآمد ناشی از تنها کار یا کار ذخیره شده (سرمایه) یا ادامه رابطه ملکیت است

در حقوق اسلامی دو روش برای پرداخت اجرت خدمات عامل کار شناخته شده که هرکدام را عامل بخواهد می‌تواند انتخاب کند: روش دستمزد و روش شرکت در منافع

با محصول؛ لذا عامل حق دارد مال معینی را به طور کمی و کیفی در ازاء کار خود دریافت دارد یا اینکه چند درصد از منافع را مطالبه کند. امتیازی که روش اول نسبت به روش دوم دارد عنصر ضمان است که در آن وجود دارد. یعنی به موجب قرارداد، عامل دستمزد و اجرت معینی را که نسبت به آن توافق گردیده، دریافت می نماید، اعم از آنکه صاحب مال سود ببرد یا زیان کند. در روش دوم نتیجه فعالیت عامل معلوم و درآمدی نخواهد داشت. از طرفی ممکن است سود کلانی عاید او بشود که به مراتب از حد متعارف دستمزد بیشتر باشد، از آنجاکه سود همواره دست خوش تغییر است با قبول این روش در واقع عامل کار عنصر زیاده و نقصان را می پذیرد (شهید صدر، ۱۳۵۷، ص. ۲۱۸).

۲-۴. نقش مخاطره در اقتصاد اسلامی از نگاه شهید صدر

به طوری که از نظریه توزیع بعد از تولید برمی آید {تحمل} «ریسک» منشأ درآمد شناخته نشده و مجوز نظری هیچ یک از انواع درآمدهای شرعی نیست. زیرا ریسک نه جنبه کالا و سرمایه را دارد که تحمل کننده ریسک به دیگری تأدیه نماید و درازای آن ثمن را مطالبه کند و نه کار است که روی ماده ای پیاده گردد تا حق تملک یا مطالبه اجرت مطرح شود. بلکه حالتی است که شخص در آن حالت به کاری که از عواقب آن ترس دارد اقدام می کند. این امر از دو حال خارج نیست یا شخص به واسطه خوف از تصمیم خود منصرف می شود و یا خیر. به هر حال اوست که راه پرمخاطره را برگزیده و بازاده آزاد به قبول خسارات احتمالی تن می دهد. لذا تا وقتی که تصمیم شخص واقعیت خارجی نیافته و به شکل کار مجسم در ماده درنیامده است، نمی تواند ما به ازاء مادی مطالبه کند، درست است که از لحاظ اخلاقی غلبه بر ترس حائز اهمیت بسیار است ولی این دلیل نمی شود که برایش ارزش اقتصادی نیز قائل شد. (شهید صدر، ۱۳۵۷، صص. ۲۳۵-۲۳۴).

یکی دیگر از دلالت های موافقان ارزش اقتصادی تحمل ریسک، اشاره به تضاد اظهارات شهید صدر در کتاب اقتصادنا است. این گروه این گونه بیان می دارند که شهید صدر در یکجا مخالف درآمدزایی از تحمل ریسک است و در جای دیگر در خصوص

مضاربه می‌گوید: فرق میان مضاربه و قرض در پذیرش ریسک است. به این صورت که مالک سرمایه ریسک سرمایه را برعهده دارد و اگر این ریسک برعهده عامل شود، این دیگر مضاربه نیست و قرض محسوب می‌شود و به دلیل وجود ریسک است که مالک سرمایه مستحق سود می‌شود.

شهید صدر در بررسی رابطه ریسک و درآمد دو رویکرد متفاوت دارد در بخشی از کتاب اقتصادنا این استدلال را مطرح می‌کند که ریسک و مخاطره از نهاده‌های تولید شمرده نمی‌شود به همین دلیل درآمدی هم نباید از بابت تحمل آن به شخص پذیرنده ریسک تعلق گیرد وی در بخش دیگری از کتاب اقتصادنا وجود عنصر ریسک و مخاطره برای صاحب سرمایه و عدم ضمانت سرمایه به وسیله عامل را شرط اصلی صحت عقد مضاربه و عدم تبدیل آن به قرض می‌داند. از این عبارت به دست می‌آید که شهید صدر برای عنصر ریسک نقش ارزش‌زایی در درآمد قائل بوده و به طور ناخودآگاه به خلق ارزش ریسک و مخاطره معتقد است؛ زیرا شرط سودبری صاحب سرمایه در مضاربه را با مخاطره مرتبط می‌داند که در صورت فقدان پذیرش مخاطره، سرمایه توسط صاحب سرمایه و پذیرش مخاطره سرمایه توسط عامل آن را تبدیل به قرارداد قرض می‌کند. همچنین ضمانت‌های بانکی که به وسیله شهید صدر پذیرفته و تأیید گردیده گواه بر این مطلب است که نزد شهید صدر نیز خلق ارزش ریسک و مخاطره مشروع باشد.

تضاد ظاهری که در نظریه ایشان دیده می‌شود به دلیل برداشت نادرست از نظریه ایشان است؛ زیرا اولاً به قول آیت‌الله خویی، مضاربه خلاف اصل است و هر جا در صحت مواردی در مضاربه شک شد حکم به بطلان و عدم صحت می‌شود.

ایشان به سه دلیل مضاربه را خلاف قاعده می‌داند که در زیر به آن‌ها می‌پردازیم:

۱. در مضاربه همچون مساقات و مزارعه، تملیکی از سوی طرفی بر دیگری محقق نمی‌شود، زیرا مالک چیزی جز حصه‌ای از سود را به عامل تملیک نمی‌کند، درحالی‌که وی مالک چیزی جز رأس‌المال نیست. پس چگونه می‌تواند چیزی را که هنوز محقق نگشته و مالک نیست تملیک نماید. بنابراین،

قاعده اقتضا می‌کند که چنین عقدی باطل باشد (خویی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۷).

۲. ربح باید از رأس‌المال تبعیت نماید و تمام آن در زمان پدیدار شدن به مالکیت مالک رأس‌المال منتقل شود و نمی‌تواند حصه‌ای به عامل و حصه‌ای دیگر به مالک منتقل گردد؛ مگر آنکه گفته شود که ربح ابتدا وارد ملکیت مالک می‌شود و سپس از مالکیت وی خارج و به عامل منتقل می‌گردد، درحالی‌که از قواعد مضاربه خارج است و در مضاربه این‌گونه نیست (خویی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۸).

۳. مضاربه در خصوص تقسیم ربح نیز خلاف قاعده است. فرض کنید مالک ۱۰۰ دینار را با سود ۵۰ درصد به‌عنوان رأس‌المال به عامل داده باشد. حال اگر در اولین معامله، عامل مالی را ۱۰۰ دینار بخرد و آن را به ۲۰۰ دینار بفروشد، بر اساس قاعده حاکم بر مضاربه، ۱۵۰ دینار آن سهم مالک و ۵۰ دینار آن سهم عامل خواهد بود؛ اما اگر پس از معامله اول، عامل مالی را ۲۰۰ دینار بخرد و به چهارصد دینار بفروشد بر اساس قاعده حاکم بر مضاربه، ۱۵۰ دینار برای عامل و ۲۵۰ دینار برای مالک رأس‌المال خواهد بود، درحالی‌که به نظر می‌رسد خلاف قاعده باشد، زیرا در معامله اول، ۱۵۰ دینار از آن مالک شد و بنابراین مالک ۱۵۰ دینار آورده داشت و عامل نیز ۵۰ دینار آورده داشت. حال طبق قاعده که ۲۰۰ دینار سود این معامله شده است، ربع این سود (۵۰ دینار) قطعاً برای عامل است و در خصوص ۱۵۰ دینار باقی‌مانده، ۷۵ دینار از آن هر دو خواهد شد که در مجموع باید عامل ۱۲۵ دینار را مالک گردد درحالی‌که بر اساس قاعده حاکم بر مضاربه، وی مالک ۱۵۰ دینار خواهد شد (خویی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۹).

ایشان به استناد این سه دلیل، عقد مضاربه را خلاف قاعده دانسته و ادعا می‌کند که اگر دلیل روایی بر صحت مضاربه نبود، باید این عقد را باطل می‌دانستیم. حال که این عقد خلاف قاعده است در موارد شک باید مضیق تفسیر و به موارد یقینی اکتفا نمود،

بنابراین نمی‌توان از عقدی که خلاف اصل است احکامی کلی دریافت نمود و ادعا کرد که چون در مضاربه ریسک سرمایه‌بر عهده مالک است پس تحمل ریسک درآمدزاست؛ همچنین با فرض خلاف اصل نبودن این عقد، در صورتی که تحمل ریسک با شرایطی بر دوش عامل قرار گیرد آیا نمی‌توان برای مالک حقی از سود قائل شد؟ کل استدلال گروه موافقان در این بخش آن است که چون تفاوت قرض و مضاربه در انتقال ریسک است و اگر ریسک مال موضوع قرارداد منتقل گردد مضاربه همان قرض خواهد بود نتیجه می‌گیریم که شارع برای تحمل ریسک از جانب مالک، ارزش اقتصادی در نظر گرفته است. حال اگر در همان بدو امر، این ریسک از طرق شرعی به عامل منتقل گردد آیا نمی‌توان برای عامل سهمی از سود را در نظر گرفت؟

راهکار این قضیه در ماده ۵۵۸ قانون مدنی ذکر شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «اگر شرط شود که مضارب ضامن سرمایه خواهد بود و یا خسارات حاصله از تجارت متوجه مالک نخواهد شد عقد باطل است، مگر اینکه به‌طور لزوم شرط شده باشد که مضارب از مال خود به مقدار خسارت یا تلف مجاناً به مالک تملیک کند». در واقع در مضاربه به حکم وضعی نمی‌توان عامل را ضامن سرمایه دانست، ولی اگر به حکم تکلیفی ریسک از دست رفتن سرمایه را بر دوش عامل گذاریم، به‌راستی هیچ‌گونه ریسکی متوجه مالک نخواهد بود و باز هم مالک می‌تواند حقی از سود را از آن خود بداند. در این صورت آیا این تحمل ریسک است که درآمدزاست؟ پاسخ به این سؤال منفی است. بهتر است بگوییم تفاوت مضاربه و قرض در حکم وضعی ضمان است و نه تحمل ریسک و این دو کاملاً متفاوت خواهند بود. مشکل این گروه از موافقان آن است که ضمان را ماهیتاً همان تحمل ریسک می‌دانند، در حالی که چنین نیست بلکه اثر حکم وضعی ضمان می‌تواند تحمل ریسک باشد که آن‌هم با راهکارهای گوناگون حقوقی قابل انتقال و اسقاط است. البته این استدلال نافی این مطلب نیست که تحمل ریسک از جانب عامل باعث افزایش سهم وی از سود حاصل از مضاربه خواهد شد ولی مهم آن است که این تحمل ریسک در مقابل عوض قرارداد نیست بلکه فقط اثرگذار خواهد بود. همچنین اگر استدلال به ارزش اقتصادی تحمل ریسک می‌گردد، آیا قرض‌دهنده در عقد قرض ریسک عدم وصول مال قرض داده‌شده را تحمل نمی‌کند؟ بنابراین تعلق

سود در این مثال به صاحب سرمایه ناشی از تحمل ریسک (مخاطره) توسط مالک نیست، زیرا که مال مالک (در این مثال) در هر صورت مضمون است و عامل با ضمانت مال (مذکور) ریسک و مخاطره آن را پذیرفته است و در حالت خسارت معادل آن را باید پرداخت نماید (شهید صدر، اقتصادنا، ص. ۶۰۲).

برخلاف عقیده طرفداران مکتب سرمایه‌داری کلاسیک که قبول مخاطره را یک عمل قهرمانی و فداکارانه دانسته و آن را تنها به این خاطر در خور پاداش می‌دانند حق صاحب سرمایه در منافع از جنبه نظری نتیجه و حاصل مخاطره یا به عبارت دیگر پاداش فداکاری و شجاعت او نیست.

مدارک شرعی و حقوقی دیگری هم در دست است که موضع‌گیری مخالف و سلبی اسلام را نسبت به مخاطره روشن می‌سازد و ثابت می‌کند که مخاطره (ریسک) نباید منشأ درآمد تلقی شود.

بسیاری با تکیه بر همین عامل مخاطره (ریسک) درصدد توجیه و درست جلوه دادن سودهای ربوی برآمده و می‌گویند وقتی دائن پولی را به‌عنوان قرض به کسی می‌دهد، درواقع استقبال خطر کرده و سرمایه‌اش را به خطر انداخته است، زیرا اگر مدیون نتواند آن را مسترد دارد، سرمایه از بین رفته و خساراتی به دائن وارد می‌آید. بنابراین مالک حق دارد در ازاء به خطر انداختن سرمایه‌اش به خاطر مدیون اجرتی که همان بهره پول باشد دریافت کند.

اسلام این استدلال را غلط، منحرف و غیرقانونی می‌داند و مخاطره فرضی فوق را دلیل اخذ بهره نمی‌شناسد. از این رو با شدت هرچه تمام‌تر به تحریم پرداخته است.

۴-۳. غوری شدن معامله

عدم تقارن اطلاعات و سهم بیشتر یکی از طرفین قرارداد انتقال ریسک از اطلاعات مربوط به ریسک انتقال داده شده یکی از مسائل مبتلا به قراردادهای این‌چنینی است. به عبارت دیگر جهل در خصوص صحت اطلاعات مربوط به ریسک مال یا فرد یا هر آنچه که ریسکش منتقل شده است، منجر به کژگزینی و عدم تشخیص متحمل ریسک در شناخت دقیق ریسکی باشد که قبول کرده است. لذا منجر به ضرر و زیان یکی از

طرفین خواهد شد. مسأله دیگر قراردادهای مربوط به انتقال ریسک تغییر رفتار عامدانه یا غیر عمد شخصی است که ریسک را به طرف دیگر انتقال داده است. لذا با بروز تقلبات و یا رفتارهای تشدیدکننده ریسک منجر به زیان و ضرر طرف مقابل می شود و بنابر قاعده فقهی لاضرر عدم صحت چنین قراردادهایی استنباط می شود.

۴-۴. ممنوعیت کسب درآمد ناشی از تحمل ریسک در قرض، قمار

تحریم قمار و درآمدهای ناشی از آن نیز دلیل دیگری است که مخالفت اسلام با مخاطره (ریسک) را مدلل می دارد. بدیهی است که این گونه درآمدها بر کار مفید و انتفاعی، مبتنی نبوده و فقط بر اساس تحمل ریسک (به تنهایی) استوار هستند.

۴-۵. مبنای عقود مشارکتی

عقود مشارکتی به پنج نوع تقسیم می شوند که شامل «مضاربه»، «مشارکت مدنی»، «مشارکت حقوقی»، «مزارعه» و «مساقات» است. مبنای این عقود که مشارکت در سود و زیان است می تواند مبنای مشروعیت تحمل ریسک قرار گیرد. بدین توضیح که مثلاً عقدی همچون بیمه در ابتدای شکل گیری که بر اساس تقابل^۹ بود بر مبنای مشارکت در ریسک کار خود را آغاز نمود ولی پس از اندی، این مبنای تقابل و مشارکت در ریسک، تبدیل به عقد غیرمشارکتی (بیمه های مالکانه) گردید؛ بدین شکل که ریسک از یک طرف قرارداد به طرف دیگر قرارداد منتقل شد و طرف متحمل ریسک، به دلیل تحمل یک طرفه آن، درآمدی را کسب نمود.

البته بعدها در جوامع مسلمان اهل تسنن به دلایلی همچون غرر، ربا و قمار بودن این عمل، چرخشی به وجود آمد و نهادی همچون تکافل وارد صنعت بیمه جهان گردید که مبنای آن هم مشارکت در ریسک بود. در واقع، در فقه اسلامی، هر جا که توافقی منجر به تحمل یک طرفه ریسک می شد که از طریق آن درآمدی عاید متحمل گردد عقود مشارکتی به وجود آمده تا هر دو طرف قرارداد مشترکاً آن ریسک را تحمل نمایند که اگر مشارکتی در کار نبود، منجر به اشکالاتی همچون غرر و قمار و ربا می گردید.

۴-۶. بازی مجموع صفر و کاهش رفاه اقتصاد در شرایطی که امکان سواری مجانی فراهم شود (مانند شرکت ابدان، شرکت وجوه، شرکت معاوضه)

شرکت بر دو قسم است: «قهری» و «عقدی». شرکت عقدی منقسم است به چهار قسم: «شرکت عنان»، «شرکت ابدان»، «شرکت وجوه» و «شرکت معاوض». فقها فقط اولی را صحیح می دانند.

تحریم «شرکت ابدان» را نیز می توان به تحریم قمار افزود. فقها بسیاری از جمله محقق حلی در شرایع و ابن حزم در محلی، به بطلان آن نظر داده اند. فلسفه صحت فرض اول دون فرض های دیگر این است که در اول، شرکت، ایجاد یک شکل جدید کار به واسطه افزایش سرمایه است. افزایش سرمایه و تمرکز آن سبب می شود که توانایی مضاعف شود. کاری که از ثروت متمرکز پیدا می شود مثل شرکت سهامی ها از سرمایه های کوچک و جدا جدا نمی آید. اما سایر اقسام شرکت ها فقط شکل قمار دارد. به هر اندازه که درآمد انسان به فعالیت خودش بستگی داشته باشد بیشتر او را متوجه کار و فعالیت می کند. به همان دلیل که می گویند رابطه کار و ثروت باید محفوظ باشد می گوئیم شرکت ابدان و وجوه و معاوضه این رابطه را از میان می برد. عیب دوم اینکه به روح انسان جنبه اتکالی می دهد. این گونه شرکت مصداق گردش به باطل و اکل به باطل است برخلاف شرکت عنان (مطهری، بی تا، صص. ۱۴۵-۱۴۶).

منظور از شرکت ابدان این است که دو یا چند نفر که هر کدام کار ویژه ای دارند تصمیم می گیرند درآمدهای خود را روی هم ریخته و مجموع را بین خود قسمت کنند. مثلاً دو نفر پزشک که هر یک مستقلاً کار می نمایند در پایان مدت مقرر هر کدام نصف مجموع درآمدها را بردارند. تحریم این نوع مشارکت مربوط می شود به موضع گیری مخالفت نظریه یا امر مخاطره، چه در اینجا هم درآمد مبتنی بر مخاطره است نه کار. در مثال ذکر شده شرکاء از میزان درآمد یکدیگر اطلاع نداشته و هر یک به امید اینکه درآمد دیگری بیشتر خواهد بود اقدام به مشارکت نموده اند. بدین ترتیب آن کسی که درآمدش کمتر است قسمتی از درآمد-محصول کار- نفر دیگر را دریافت می کند چون شخص اخیر با موافقت خود، از قسمتی از درآمدش، به نفع شریک دیگر صرف نظر نموده این

درآمد اضافی که نصیب شریک کم‌درآمد گردیده از عامل کار ناشی نشده است (شهید صدر، ۱۳۵۷، ترجمه اسپهبدی، ج ۲، صص. ۲۳۶-۲۳۷).

نکته دیگر که باید در شرکت ابدان توجه کرد، این است که در صورت صحیح بودن شرکت ابدان میل به تنبلی و کم‌کاری در طرفین به خاطر عدم تقارن اطلاعات موجود و قبول ریسک توسط طرفین افزایش می‌یابد. زیرا هر یک از طرفین به امید اینکه طرف دیگر بیشتر کار می‌نماید و اینکه مبادا درآمدش در اثر کار کردن بیشتر، بیشتر از دیگری باشد. در نتیجه طرف دیگر از تلاش بیشتر او بهره‌مند شود، ترغیب به کم‌کاری و تنبلی خواهد شد. لذا کل برآیند عایدی انتظاری در شرکت ابدان نسبت به عدم مشارکت کاهش خواهد یافت. کژمنشی مذکور در بیمه نیز وجود دارد زیرا انتقال ریسک به طرف بیمه‌گر، میل به بی‌دقتی و عدم احتیاط را در بیمه‌گزار افزایش می‌دهد و این منجر به این می‌شود که در مجموع خسارت وارد به کل جامعه بیشتر از حالتی باشد که انتقال ریسک صورت نگرفته بود زیرا دقت بیمه‌گزار در مورد معرض خطر معین بیشتر می‌شد. در سایر حالات انتقال ریسک نیز می‌تواند منجر به بی‌دقتی طرف انتقال‌دهنده ریسک، و نیز ایجاد ریسک جدید برای جامعه گردد. لذا با توجه به غوری شدن معاملات و قراردادهایی که صرفاً به انتقال ریسک می‌پردازند و بروز پدیده‌های کژگزینی و کژمنشی، رفاه کل جامعه کاهش می‌یابد. و زمینه برای بروز یارانه‌دهی متقابل و انتقال ریسک فرد یا مال با سطح ریسک بالا (در قالب یک در معرض خطر کم‌ریسک) زمینه برای یارانه‌دهی متقابل کم‌ریسک‌ها به پرریسک‌ها و ورشکستگی طرف پذیرنده ریسک در قرارداد و زیان شدید او فراهم خواهد شد. در چنین حالتی غرض عقلایی مربوط به پوشش ریسک‌های بزرگ برای کل جامعه نیز محقق نخواهد شد و ثروت کل جامعه نیز در صورت بروز رفتارهای کژمنشانه و متقابلانه کاهش خواهد یافت.

۵. قرارداد آتی

در بخش قبلی به این نتیجه رسیدیم که نمی‌توان از تحمل ریسک درآمدی را کسب نمود. یکی از مصادیق بارز انتقال ریسک نوسانات قیمتی دارایی پایه باهدف پوشش آن،

قرارداد آتی‌هاست. به بیان دیگر باهدف پوشش ریسک نوسانات قیمتی دارایی پایه، قرارداد آتی‌ها ابداع شده است و طرفین قرارداد ریسک کاهش یا افزایش قیمت دارایی پایه را در قرارداد آتی‌ها متحمل می‌شوند. در ادامه استدلال خواهد شد که قرارداد آتی‌ها به‌عنوان یکی از مصادیق مهم (صرفاً) انتقال ریسک به‌طرف دیگر، در ذیل موانع تصریح‌شده صحت قرارداد از منظر شارع مقدس قرار می‌گیرد.

۵-۱. مفهوم قرارداد آتی^{۱۰}

یک قرارداد آتی توافقنامه‌ای مبتنی بر خرید یا فروش دارایی باقیمت مشخص در زمان معینی در آینده است. بیشتر قراردادهای آتی، منجر به تحویل فیزیکی کالا نمی‌شود. علتش آن است، که اکثر سرمایه‌گذاران قبل از فرارسیدن زمان تحویل کالا، موضع معاملاتی خود را می‌بندند. تحویل دادن یا تحویل گرفتن کالا تحت شرایط قرارداد آتی، اغلب مشکل و در مواردی نسبتاً پرهزینه است. این موضوع در مورد پوشش‌دهندگان ریسک که می‌خواهند تحت شرایط قرارداد آتی خرید و فروش کنند، نیز صدق می‌کند. لذا یک پوشش‌دهنده ریسک معمولاً ترجیح می‌دهد که موضع معاملاتی آتی خود را مسدود کند و خرید یا فروش دارایی را به شیوه معمول در بازارهای نقدی انجام دهد (Hull, 2003, p. 41). به دیگر سخن فروشنده قرارداد آتی متعهد می‌گردد موضوع قرارداد اصلی یعنی دارای پایه را که ممکن است کالا، ارز یا اوراق بهادار باشد در سررسید قرارداد تهیه نماید قرارداد آتی در بازار بورس معامله می‌گردد (Hudson, 2017, p. 44). انواع معامله گران در بازار قراردادهای آتی همانند سایر مشتقات مالی عبارتند از: پوشش‌دهندگان ریسک^{۱۱}، سفته‌بازان^{۱۲} و آربیتراژگران^{۱۳}

وجود این سه نوع از معامله گران، نقدشوندگی قرارداد آتی‌ها را افزایش داده است. پوشش‌دهندگان ریسک از مواجه شدن با تغییرات نامطلوب قیمت دارایی‌ها اجتناب می‌کنند. نفعی که برای پوشش‌دهندگان ریسک وجود دارد این است که هزینه یا قیمت دریافتی بابت دارایی پایه، تضمین می‌شود اما هیچ اطمینانی در خصوص اینکه قیمت دارایی پایه کمتر یا بیشتر از قیمت تضمینی بشود، وجود ندارد. سفته‌بازان به استقبال ریسک می‌روند و از موقعیت‌هایی متناسب با نوع پیش‌بینی خود درباره تغییر قیمت‌ها

است، سود کسب می‌کنند. گروه سوم معامله‌گران از اختلاف قیمت دارایی پایه در بازار نقدی و آتی‌ها، سود به دست می‌آورند. (Hull, 2003, pp. 27-33).

اگر دارایی پایه، کالا باشد بورس‌ها شرایط آن را قبل از معامله بیان می‌کنند و باید معامله صرفاً در چارچوب آن ضوابط منعقد گردد از جمله اینکه حداقل تغییر قیمت به صورت استاندارد تعیین شده است. ارزش قراردادهای آتی تنها موردی است که بدون دخالت بورس و باقیمت سوبیه تعیین می‌گردد، یعنی قیمت در قرارداد آتی‌ها بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. (درخشان، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۰).

۲-۵. سپرده تضمین

مبتهی بر بند ۵۷ ماده ۱ دستورالعمل معاملات آتی سهام در بورس اوراق بهادار تهران، طرفین قرارداد آتی برای احتراز از نقض تعهدات قراردادی خود مکلف به پرداخت وجهی به‌عنوان تضمین نزد کارگزار بورس هستند که سپرده تضمین نامیده می‌شود و هدف از آن جلوگیری از نقض تعهدات و زیان احتمالی یکی از طرفین است و به سه نوع «تضمین اولیه»، «تضمین ثابت» و «تضمین متغیر» تقسیم می‌گردد.

۳-۵. اتاق پایاپای

مطابق بند ۸ و ۱۹ ماده ۱ دستورالعمل تسویه و پایاپای معاملات بورس کالای ایران، اتاق پایاپای واحد سازمانی است که در قالب شرکت تأسیس و بخش الحاقی به بورس‌های ارائه‌کننده آتی‌ها است. تکلیف اتاق پایاپای تضمین تعهدات طرفین معامله بوده، به‌گونه‌ای که تمام موقعیت‌های خریدوفروش آتی‌ها را ثبت و نگهداری می‌کند. با انجام معامله آتی‌ها توسط کارگزاران و ورود آن‌ها در سیستم ثبت معاملات بورس، اتاق پایاپای وارد عمل گردیده و نماینده و کارگزار خریدار و فروشنده در معامله است. بنابراین خریداری که قصد انعقاد قرارداد آتی دارد اتاق پایاپای را متعهد خود می‌داند و فروشنده نیز در زمان انعقاد قرارداد آتی، قصد دریافت ثمن معامله را از اتاق پایاپای دارد و به همین دلیل معامله‌گران بازار آتی نیازی به شناسایی و میزان اعتبار طرف معامله ندارند؛ زیرا اتاق مزبور خطر اعتباری فروشنده را برای خرید خریدار و خطر اعتباری خریدار را برای فروشنده برعهده گرفته است. از نظر حقوقی می‌توان اتاق

پایپای را ضامن قرارداد آتی و نوع ضمان را نقل ذمه به ذمه استنباط نمود؛ بدین بیان که اتاق مذکور با عمل خود مضمون عنه را بری و تعهدات طرفین قرارداد آتی را به ذمه خود منتقل می‌نماید.

۴-۵. ماهیت قرارداد آتی

بر اساس بند ۳۲ ماده ۱ دستورالعمل اجرایی معاملات قراردادهای آتی در شرکت بورس کالای ایران مصوب ۱۳۸۶ که مستند خود را بند ۴ ماده ۴ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ می‌داند: «قرارداد آتی قراردادی است که فروشنده بر اساس آن متعهد می‌شود در سررسید معین مقدار معینی از کالای مشخص را به قیمتی که الان تعیین می‌کنند بفروشد و در مقابل، طرف دیگر قرارداد متعهد می‌گردد آن کالا را با آن ویژگی‌ها اکتیفا نماید». در فقه عامه این‌گونه تعریف شده است: «قرارداد آتی قراردادی بر موضوع مشخص و معین و یا بر موضوع کلی با مسئولیت و ضمان معلق در برابر عوض معلق است» (AAOIFI, 2017, p. 580).

برخی ماهیت این نوع قرارداد را تعهد به انشای بیع در آینده می‌دانند (حسین‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۸)، درحالی‌که این نویسنده در جای دیگر، قصد طرفین در عرف این نوع از معاملات را اصلاً تسلیم و تسلیم کالای واقعی در بازار نمی‌داند (حسین‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۱) و این به معنای عدم عزم و قصد طرفین بر انعقاد قرارداد بیع در آینده است. هرچند در برخی از صور این نوع قراردادها با تسلیم موضوع، قرارداد اصلی خاتمه می‌یابد ولی در اکثر موارد و در عرف این نوع از معاملات، با تسویه حساب نقدی به پایان می‌رسد و بنابراین، هیچ‌گونه تسلیم و تسلیمی در این نوع از قرارداد وجود نخواهد داشت و زمانی که تسلیم و تسلیمی در کار نباشد، بیعی هم وجود نخواهد داشت و نمی‌توان این تسلیم و تسلیم را انگیزه طرفین نامید.

اگر ماهیت این نوع از قرارداد را تعهد طرفین بر جبران ضرر دیگری بدانیم و با این استدلال ماهیت عقد را عهدی و بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی بی‌نام بدانیم ایراداتی وارد می‌گردد. برخی ایرادات مربوط به مبادله دین با دین است که در برخی از منابع خصوصاً اهل تسنن اشاره شده است؛ مثلاً ایراد شده است که بیع کالای خریداری شده

پیش از تعیین آن به این صورت که بتوان آن مبیع را از دیگر کالاها جدا کرد و تشخیص داد (یعنی قبل از اینکه به عینیت در آمده باشد) منجر به همپوشانی مسئولیت و ضمان بایع و مشتری در مقابل مشتری دوم می‌گردد و نمی‌توان دقیقاً حدود مسئولیت و ضمان این دو را در مقابل مشتری دوم بیان نمود. این ایراد از آثار معامله دین به دین است (AAOIFI, 2017, p. 545). البته به دلیل اینکه در موارد نادری از قرارداد آتی ایراد معامله دین با دین وجود دارد، این ایراد بیشتر به اختلاف فقه امامیه و عامه در خصوص مفهوم معامله دین به دین است که می‌توان در جای دیگری به این مطلب پرداخت؛ بنابراین از نظر نگارندگان این ایراد چندان وارد نیست.

ایراد دیگری که به این قرارداد وارد کرده‌اند اشکال در تسلیم و تسلّم است؛ بدین بیان که در تمام قراردادها هدف طرفین در انعقاد عقد، تسلیم و تسلّم عوضین است درحالی‌که هدف اولیه در قراردادهای آتی اصلاً تسلیم و تسلّم نیست (AAOIFI, 2017, p. 575)؛ این ایراد نمی‌تواند باعث غیرشرعی بودن عقد گردد زیرا ممکن است عقدی صرفاً تعهدی باشد و طرفین هم قصد قبض و اقباض نداشته باشند ولی از این لحاظ وارد است بدین صورت که طرفین، قصد بیع کالای پایه را دارند و در موارد نادری از این قرارداد، با تسلیم کالای موردنظر، قرارداد خاتمه می‌یابد ولی در اکثر موارد به صورت تسویه حساب نقدی مختوم شده و اصلاً قبض و اقباضی صورت نمی‌گیرد.

با توضیحات پیشین می‌توان ماهیت این عقد را تعهد به جبران خسارات دیگری چه به صورت تسویه حساب نقدی و چه به صورت تسلیم کالا و یا طرق دیگر در نظر گرفت. اما آیا تحلیل ماهیت قرارداد به تعهد به جبران خسارت موجه شرعی بودن این قرارداد است؟

ایراد مهم و جدی اهل تسنن به این قرارداد قماری بودن آن است. بدین بیان که این گونه قراردادها برای هر یک از طرفین تعهدی را در برابر دینی که فاقد هرگونه سود و منفعتی است ایجاد می‌کند و تنها منفعتی که در این قرارداد وجود دارد انتقال ریسکی است که هر یک از طرفین انتظار ضرر طرف دیگر قرارداد را می‌کشد (AAOIFI, 2017, p. 575)؛ بدین توضیح که این قرارداد قطعاً برای یکی از طرفین

سودآور و برای طرف دیگر قطعاً ضرری است و این همان قمار است. در واقع طرفین قرارداد قمارباز بوده و هیچ‌یک از طرفین به یقین نمی‌دانند که آینده سود می‌کنند یا ضرر و البته یقین دارند که یا برنده‌اند و یا بازنده و در هیچ حالتی در این قرارداد هر دو برنده نمی‌شوند. در آخر این قمار نیز سهمی به اتاق مذکور تعلق می‌گیرد.

برخی چنین استدلال کرده‌اند که معاملات مجموع صفر همچون قراردادهای آتی قماری نیستند، زیرا در لغت و اصطلاح، ارکان قمار عبارت است از لعب و مغالبه و راهنه و به دلیل اینکه قراردادهای آتی تنها رکن راهنه را دارد و ارکان ملاعبه و مغالبه را ندارد بنابراین قمار محسوب نمی‌شود (صادقی شاهدانی و پاکذات، ۱۳۹۵، ص. ۶۹).

این استدلال به غایت مخدوش است، زیرا اولاً قمار در لغت به معنای طلب صید در شبی است که ماه باشد و اصلاً به این دلیل قمار در شب انجام می‌شد که عرف مردم آن را مذموم می‌دانستند و به همین دلیل در شب به صورت مخفیانه انجام می‌گرفت (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص. ۳۱۷). همچنین برای مفهوم قمار در قرآن از واژه میسر یاد شده است و به معنای وسیله‌ای در جهت استحصال فائده، غنیمت و سود در زمان بسیار کوتاه با عمل ساده است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۴، ص. ۲۴۶). بنابراین قمار در لغت و وسیله‌ای است که اولاً برای کسب سود و منفعت جعل شده و ثانیاً به راحتی باعث کسب درآمد برای دیگری و ضرر برای دیگری گردد؛ ثانیاً آن چیزی که در قمار مذموم است ملاعبه و مغالبه نیست زیرا بازی کردن و تلاش برای غلبه بر دیگری در بسیاری از افعال مباح وجود دارد ولی رهان که نام دیگر قمار می‌باشد و به معنای گرو بندی است (ماده ۶۵۴ قانون مدنی) مذموم و موجب فساد عقد است.

این رکن آن‌چنان اهمیت دارد که قمار را در قوانین و فقه امامیه و عامه بانام رهان یاد می‌کنند و اگر فقیهی در تعریف اصطلاحی قمار به ملاعبه و مغالبه اشاره نموده است از باب تغلیب و طریقت بوده و اصلاً موضوعیت نداشته است؛ زیرا فساد عقد به دلیل بازی کردن و غلبه یافتن یکی بر دیگری نیست بلکه رهان بوده و رهان همان معاملات مجموع صفر است. اگر در معامله‌ای قطعاً تنها و تنها یکی برنده و یکی بازنده باشد این معامله قمار است.

علاوه بر اشکال قماری بودن این قرارداد، اشکال انتقال ریسک نیز که مورد بحث ما در این مقاله است بدون در نظر گرفتن مالکیت و ضمان، وجود دارد. در واقع اگر قرارداد آتی با انتقال مبیع خاتمه یابد این معامله می‌تواند صحیح باشد، ولی به دلیل آنکه عرف این معاملات در بورس انجام می‌گیرد و در عرف این معاملات تسویه حساب نقدی روش ختم آن است بنابراین، شکل غالب این معاملات در فقه و حقوق مهم خواهد بود و به دلیل آنکه انتقال ریسک و تحمل آن توسط طرف دیگر قرارداد بدون پشتوانه کالای واقعی است و طرفین می‌دانند که تسلیم و تسلیم و مالکیت مبیعی در کار نیست این معامله باطل و درآمد حاصله نیز نامشروع است. از اشکال قماری بودن عقد آتی نباید این برداشت را کرد که این معامله به دلیل قماری بودن باطل است و انتقال ریسک دلیل اصلی آن نیست، بلکه آن چیزی که دلیل اصلی عدم مشروعیت قرارداد آتی است همان نامشروع بودن انتقال ریسک است که در این عقد به صورت قماری بودن جلوه کرده است.

۶. تحلیل و ارائه نظر نهایی و دلالت‌های آن در بازارهای مالی اسلامی (جمع‌بندی و پیشنهادها)

ریسک یکی از مفاهیم بنیانی در توسعه بازارهای مالی و شکل‌دهی رفتار سرمایه‌گذاری است که می‌تواند در اتصال یا انفصال بخش حقیقی اقتصاد (تولید کالاها و خدمات) از بخش پولی و مالی مؤثر باشد. تعیین نگاه مکتب اقتصادی اسلام و تبیین نظریه برآمده از رویناءات حقوقی اسلام (با استناد به روش شهید صدر) در خصوص جواز قرارگیری ریسک در همه شقوق و انواع آن به‌عنوان موضوع قرارداد، می‌تواند جهت‌دهی اساسی را در خصوص نظام مالی اسلام یا فقه تعاملات مالی مشخص نماید. اساساً سرمایه‌گذاران و نیز تولیدکنندگان و کارآفرینان بخش واقعی اقتصاد با انواع ریسک‌های سامانمند و غیرسامانمند مواجه هستند. اگر این افراد که بیشتر در بخش واقعی باهدف تولید کالاها و خدمات حقیقی فعالیت دارند، نااطمینانی و ریسک‌های پیش‌روی فعالیت‌های اقتصادی خود را به حداقل برسانند، ترسیم آینده مناسب و ممکن و هدف‌گذاری برنامه کسب‌وکار خود را در افق‌های میان‌مدت و بلندمدت با موفقیت صورت دهند. از سویی دیگر توان رقابت‌پذیری محصولات آن با مشابه خارجی آن بالا

خواهد رفت. سؤال اساسی این است که از منظر مکتب اقتصاد اسلامی در مواجهه با ریسک‌هایی که در محیط کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری می‌تواند بخشی از ذهن عوامل اقتصادی را مشغول نماید، چگونه باید باشد. به بیان دیگر آیا قرار گرفتن ریسک به‌عنوان موضوع قرارداد می‌تواند زمینه را برای کسب درآمد مشروع و مطالبه آن از انتقال‌دهنده ریسک به پذیرنده ریسک فراهم آورد.

عواملی همچون ریسک‌گریزی، میل به درآمدهای قطعی (بدون ریسک) برای دارندگان وجوه پولی مازاد و زمینه اقتصادی با بازدهی‌های انتظاری بالا و موهومی در اقتصاد ملی و نیز رجحان نقدینگی در نظام سرمایه‌داری با تولیدهای بزرگ‌مقیاس، انگیزه را برای شکل‌دهی معاملات و مبادلات اقتصادی با حداقل ریسک فراهم ساخته است. بر این اساس ایجاد معاملات مختلف با موضوع پوشش ریسک و انتقال آن به‌طرف دیگر در عین افزایش هزینه‌های مبادلاتی اقتصاد ضرورت و موضوعیت یافته است. لذا از آنجایی که محیط حکمرانی مالی در جهت تقویت و تشویق روحیه کارآفرینی و مقابله با نوسانات قیمتی و گسترش ثبات اقتصاد حرکت نکرده است، نیاز حیاتی اقتصاد به پوشش ریسک‌های مختلف را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. به‌عبارت‌دیگر بسیاری از ریسک‌های سامانمند ناشی از حکمرانی کلان اقتصادی بحران‌زا و نامناسب ایجاد شده است. که می‌تواند بسته به میزان استقلال در حکمرانی اقتصادی وابسته به عوامل درونی و بیرونی اقتصاد ملی باشد. اصلاح عوامل ریسک آفرین ناشی از حکمرانی می‌تواند تا حد زیادی مانع از بروز شوک‌های برون‌زا و درون‌زای سیستم اقتصادی شود و نیاز به ایجاد و طراحی سازوکارهای انتقال ریسک به‌طرف مقابل را منتفی سازد. به بیان دیگر ریسک‌های طبیعی با استفاده از سازوکارهای مشارکتی (متقابل و همکارانه) و نه انتقالی و مالکانه پوشش داده شود. ریسک‌های سامانمند هم با اصلاح حکمرانی کلان اقتصادی حمایت‌کننده از تولید تا حد زیادی کاهش یابد. ریسک‌های غیرسامانمند از طریق متنوع سازی سبد دارایی قابل حداقل سازی خواهند بود.

نگاه انتفاعی به پوشش ریسک و نتیجتاً قرارگیری آن به‌عنوان موضوع قراردادهای مستقل، زمینه افزایش هزینه‌های مبادلاتی، گسترش فعالیت‌های سفته‌بازی، دلالی و

شکل‌گیری حباب در بخش مالی و پولی اقتصاد و تأمین مالی آن بخش توسط خودش را فراهم می‌سازد و رشد واقعی اقتصاد ایجاد نشده و آسیب‌پذیری و شکنندگی آن از درون بیش‌ازپیش گسترش خواهد یافت. اهمیت شکل‌دهی بخش واقعی مولد، منعطف با حداقل آسیب‌پذیری، لزوم حمایت همه‌جانبه از بخش واقعی اقتصاد و ممانعت از افزایش زمینه‌های انگیزشی انتفاعی موهومی و مستقل از بخش واقعی اقتصاد را در بخش پولی و مالی متذکر می‌سازد. بنابراین در شرایطی که فعالیت‌های مالی و دلالتی، به بهانه پوشش ریسک سوددهی بسیار بالاتری را نسبت به ارزش‌افزوده واقعی اقتصاد، به عوامل اقتصادی منعکس می‌کنند، بروز بحران‌های مالی، شکل‌گیری اقتصاد حباب و انفصال بخش پولی و مالی اقتصاد از بخش واقعی و نهایتاً کوچک‌سازی صنعتی‌زدایی و محدود شدن طرف عرضه اقتصاد و بروز رکودهای تورمی بر اقتصاد ملی و حتی انتقال‌های پولی و وارون از بخش واقعی به بخش پولی و مالی، دور از انتظار نخواهد بود. چنین شرایطی لزوم لحاظ قید ممنوعیت انتفاع از و تملک درآمد از قراردادهای مالی با موضوع ریسک را متذکر می‌سازد. لذا باید قید مذکور در طراحی سیستم‌های کلان اقتصادی لحاظ شود لذا قراردادهایی که یکی از عوضین ریسک است، صحیح نبوده و درآمد یا ثمن آن جواز تملک را نخواهد داشت. به‌بیان‌دیگر لحاظ سود شرکتی و یا کسب درآمد ناشی از (صرفاً) تحمل ریسک یا پذیرش ریسک به‌تنهایی می‌تواند بسیاری از فعالیت‌های فرعی پولی و مالی را اصلی جلوه دهد و عملاً میل به فعالیت واقعی (خلق ارزش‌افزوده ناشی از تولید کالاها و خدمات) در بخش واقعی را کاهش دهد و جریان پولی و نقدینگی به بخش واقعی اقتصاد را با مشکل مواجه سازد. ممنوعیت قمار، غرر، ربا و بیع کالی به کالی و نیز بسیاری از شقوق دارنده‌ی عوامل فوق را به‌عنوان موانع صحت عقد نیز به همین منظور ایجاد شده است تا محدودیت‌های لازم برای محدود شدن بخش واقعی و بزرگ شدن بخش پولی اقتصاد را فراهم آورد.

قرار گرفتن ریسک به‌عنوان موضوع قرارداد و عملاً اخذ و مطالبه هزینه در قبال صرفاً تحمل و پذیرش ریسک نمی‌تواند مشروعیت داشته باشد. به‌بیان‌دیگر قرارگرفتن ریسک به‌عنوان موضوع قرارداد به‌عنوان عامل مشروع تملک و مالکیت متفاوت از پذیرش گزاره اصل «تحمل ریسک بیشتر، سرچشمه درآمد بیشتر» است. به‌عبارت‌دیگر

تنها در صورتی که عامل مشروع تملک دارایی و ارزش اضافی همچون کار یا بقای رابطه مالکیت وجود داشته باشد، می توان از قاعده «تحمل ریسک بیشتر مبنای سهم بری بیشتر از ارزش اضافی» در کنار سایر عوامل تعیین کننده ارزش استفاده کرد و تحمل ریسک به تنهایی نمی تواند معیار و ملاکی برای تملک یا مالکیت ارزش اضافی باشد. نکته پایانی که به نظر می رسد نیاز به مذاقه بیشتر دارد این است که صرفاً انتقال ریسک باهدف پوشش آن، از لحاظ فقهی و حقوقی صورت مستقلی ندارد و در قالب مبطلات قراردادهای از منظر شارع مقدس قابل صورت بندی است. به عنوان مثال در قرارداد آتی ها، با توجه به بازی مجموع صفر بودن آن، ذیل قراردادهای قماری قرار می گیرد که باطل و غیر شرعی است.

با توجه به مستندات مطروحه و نقد استفاده آن ها جهت استنباط مشروعیت درآمدزایی تحمل ریسک، استخراج حکم مشروعیت درآمد ناشی از تحمل ریسک ممکن نیست، زیرا در برخی موارد استفاده از مستندات مذکور نیاز به دلیل مستقل جهت لحاظ مشروعیت تحمل ریسک دارد به عبارت دیگر احراز مشروعیت درآمد ناشی از تحمل ریسک مصادیق قواعد مستفاد را به تحمل ریسک نیز تعمیم می دهد در غیر این صورت ولاغیر. در برخی موارد نیز استفاده از ملاکات مذکور به دلیل تفاوت معنایی مورد استفاده روایات با تحمل ریسک قابلیت مشروعیت بخشی به درآمد ناشی از تحمل ریسک را ندارد. از سویی دیگر قائلین به عدم مشروعیت درآمدزایی تحمل ریسک از منظر ایجابی از دلایل و مصادیقی استفاده کرده اند که برآمده از روبناهای حقوقی و مالی اسلامی است و حکم عدم مشروعیت درآمد ناشی از تحمل ریسک را نتیجه می دهد. لذا بر اساس دلایل و مستندات مورد اشاره در باب عدم درآمدزایی تحمل ریسک، نمی توان یکی از عوامل کسب درآمد مشروع را تحمل ریسک (مستقل از کار و ملکیت) در نظر گرفت. با توجه به این استنباط، به نظر می رسد پوشش ریسک و خطر (به عنوان یکی از نیازهای جامعه مسلمین) در قالب ها و شیوه های غیرانتقالی به غیر و در چارچوب تسهیم ریسک در ساختارهای متقابل و مشارکتی قابل پیشنهاد باشد.

در ریسک های خالص از آنجایی که تسهیم ریسک های هم طبقه می تواند نهایتاً ریسک کل را برای همه متحملین ریسک کاهش دهد، اما در ریسک های بازار،

از آنجایی که عوامل بروز نوسانات نامطلوب قیمتی در دسترس متضررین و منتفعین نوسانات قیمتی نیست و ریشه در عوامل کلان اقتصادی یا سیاسی، اجتماعی و یا طبیعی دارد و نیز با توجه به اینکه اساساً راهبرد انتقال ریسک و طراحی بازی مجموع صفر نمی‌تواند، از منظر شرعی مشروع باشد و از طرفی ابعاد و مضرات سودگراانه و غیرمولد و بحران‌زای آن بسیار بیشتر از نفعی است که می‌تواند برای فعالان اقتصادی در بخش مولد اقتصاد داشته باشد، راهکار جایگزین بدین شرح با رویکرد تقویت زنجیره تأمین ارزش و برای فعالیتهای اقتصادی مرتبط با منافع متعارض قیمتی پیشنهاد می‌شود:

۱. تشکیل دو صندوق ریسک مجزا در قالب صنفی: مثلاً برای اکسپوژر قیمت گاز به‌عنوان خوراک صنایع پتروشیمی، ریسک افزایش قیمت گاز می‌تواند منجر به منجر به خطر^{۱۴} افزایش هزینه‌های فرآورده‌های پتروشیمی و نیز کاهش توان رقابت‌پذیری این صنعت گردد. از سویی دیگر شرکت داخلی تولیدکننده گاز طبیعی را منتفع سازد. دو صندوق ریسک مجزا با ذخیره‌گیری مجزا باید تشکیل شود. نرخ ذخیره هر صندوق بر اساس داده‌های قیمتی اکسپوژر معین در X سال گذشته قابل لحاظ خواهد بود. میزان ریسک مربوطه برای صنایع پتروشیمی با ریسک تولیدکنندگان داخلی گاز متفاوت خواهد بود. که به‌صورت روزانه صندوق‌های موردنظر شارژ می‌شود.
۲. بسته به شرایط بازار، تسویه صندوق‌ها روزانه، هفتگی خواهد بود.
۳. اگر قیمت گاز به‌صورت روزانه افزایش یافت تمام ذخیره‌ها به متقاضی گاز (صنایع پتروشیمی تعلق می‌یابد) و اگر کاهش یافت ذخیره‌ها تماماً بین تولیدکنندگان گاز توزیع می‌شود. تسویه بر اساس نوسانات قیمتی بر اساس قیمت نهایی در پایان وقت اداری خواهد بود.
۴. یک اتاق پایاپای زیر نظر نهاد ناظر بازار سرمایه، تشکیل خواهد شد و به‌صورت هفتگی تسویه و انتقال ذخایر در حساب دو گروه دارای منافع پولی متعارض انجام خواهد شد.

مزایای این مدل این است که فعالیت تولیدی همچنان اصلی خواهد بود و بدون نیاز به گسترش فعالیت‌های سودگراانه در بازار آتی، جریان درآمدی و هزینه‌ای طرفین

در بخش مولد مورد نظر، یکنواخت^{۱۵} خواهد شد. از سویی دیگر جریان زنجیره تأمین ارزش بخش مولد اقتصاد، همکاری و مشارکت را جایگزین رقابت‌های درونی اقتصاد ملی نموده‌اند و توان رقابت‌پذیری محصولات پایین‌دستی و نهایی اقتصاد ملی در مقابل محصولات مشابه خارجی افزایش محسوسی خواهد یافت. لذا در شرایط افزایش قیمت‌ها، خریداران با افزایش هزینه کمتری مواجه می‌شوند و در شرایط کاهش قیمت اکسپوژر معین، صنایع بالادستی آن زنجیره تأمین با کاهش درآمد کمتری مواجه خواهند شد.

یادداشت‌ها

1. El-Gamal
2. Yousef Khalifa
3. Suwailim
4. Pure Risks
5. Speculative Risks
6. Market Risks
7. Hedging Price Risks
8. Systematic Risk
9. Mutual
10. Future contract
11. Hedgers
12. Speculators
13. Arbitrageurs
14. Peril
15. Smooth

کتابنامه

قرآن کریم.

- بکناش محمدکاظم (۱۳۹۱). مشروعیت درآمدزایی «ریسک و مخاطره» در بازارهای مالی از دیدگاه فقه امامیه. *دوفصلنامه معرفت اقتصادی*، ۴(۱۳)، ۱۱۵-۱۴۱.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸). *قواعد فقه (مختصر هفتادوهفت قاعده فقهی حقوقی با تطبیق بر قوانین (جلد اول)*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۹۲). دلیل نفی غرر و میزان اثرگذاری آن بر معاملات. *دوفصلنامه فقه مقارن*، ۱(۱)، ۳۳-۵۴.

- حسین‌زاده، جواد (۱۳۹۱). بررسی حقوقی ساختار و اعتبار قرارداد آتی یکسان، فصلنامه حقوقی دادگستری، ۲۰(۸۰)، ۱۶۹-۱۹۵. DOI: 10.22106/zlj.2012.11042
- خلیلی عراقی، منصور؛ نوبهار، الهام؛ و قائمی؛ آمنه (۱۳۹۲). کاربردی از نظریه بازی‌ها در اقتصاد اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳(۵۱)، ۸۷-۱۰۸.
- درخشان، مسعود (۱۳۸۳). مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت (چاپ اول). تهران: موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- راعی، رضا؛ و تلنگی، احمد (۱۳۸۷). مدیریت سرمایه‌گذاری پیشرفته تهران (چاپ دوم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
- شعبانی، احمد؛ و بهاروندی، احمد (۱۳۸۹). قراردادهای آتی‌ها و اختیار معامله ارزی از دیدگاه فقهی و اقتصادی. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۳(۵)، ۳۷-۶۸.
- صادقی شاهدانی، مهدی؛ و پاکذات، سیدمهدی (۱۳۹۷). بررسی شبهه قماری بودن در مورد معاملات مجموع صفر. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۱(۲۱)، ۶۹-۸۸.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۷ق). اقتصادنا، خراسان: مکتب الاعلام الاسلامی.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۷). اقتصادما، بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام (عبدالعلی اسپهبدی، مترجم) تهران: اسلامی.
- طیبی، سید کمیل؛ خانی‌زاده امیری، مجتبی؛ و معینی، شهرام (۱۳۹۱). تحلیل نظری کسب‌وکار کارآفرینانه و غیرکارآفرینانه در اقتصاد اسلامی. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۴(۱۸)، ۲۷-۴۶. DOI: 10.22059/jed.2013.36244
- عبدالله، عدنان؛ و عویضه، محمد (۲۰۱۰م). نظریه المخاطره فی الاقتصاد اسلامی، جده: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
- غفاری، هادی (۱۳۹۲). مشروعیت ریسک مالی از دیدگاه آموزه‌های اسلامی. دوفصلنامه پژوهش‌های مالی اسلامی، ۱(۲)، ۶۹-۸۶.
- قلعه‌چی، محمدرواس (۱۴۱۲ق). مباحث فی الاقتصاد الاسلامی من اصوله الفقهیه. بیروت: دارالنفاث للطباعة و النشر و التوزیع.

- فطانت فرد، محمد (۱۳۷۶). ارزش زمانی پول از دیدگاه مدیریت مالی و فقه جعفری (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.
- محمدی، مهدی (۱۳۹۴). الگوی بهینه تکافل از منظر ذینفعان بر مبنای فقه امامیه (رساله دکتری). دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.
- مصباحی مقدم، غلامرضا؛ و رستمزاده گنجی، اسماعیل (۱۳۸۶). غرر در معاملات اختیارات بر روی سهام از دیدگاه فقه امامیه. فصلنامه جستارهای اقتصادی، ۴(۸)، ۳۹-۶۴.
- مصباحی مقدم غلامرضا؛ و صفری، محمد (۱۳۸۸). بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۹(۳۶)، ۱۱۷-۱۴۸.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (جلد شش، چاپ اول). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (بی تا). نظری به نظام اقتصادی اسلام. تهران: بنیاد علمی فرهنگی شهید مطهری.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۹ق). مبانی العروه الوثقی (جلد اول، چاپ اول)، قم: منشورات مدرسه دارالعلم - لطفی.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۲ق). مصباح الفقاهه فی المعاملات (جلد پنجم). بیروت: دارالهادی.
- موسوی سید محمدصادق؛ و رئیسی، روح الله (۱۳۹۷). تحلیل فقهی و اخلاقی ریسک تجاری و مقایسه آن با غرر با تأکید بر قواعد عام درآمدزایی مخاطره. فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، ۸(۳۲)، ۲۲۵-۲۴۵.
- موسویان سید عباس؛ و علیزاده اصل، محمد (۱۳۹۴). بررسی رابطه ریسک و غرر در بازارهای مالی اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۵(۵۹)، ۶۵-۹۴.
- موسویان سید عباس؛ و علیزاده اصل، محمد (۱۳۹۴). بررسی ضابطه غرر در معاملات جدید. دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، ۳(۹)، ۵-۳۶. DOI: 10.30497/IFR.2015.1791
- نجفی شیخ محمدحسن (۱۹۸۱م). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام (جلد ۴۳، چاپ ۷). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

واعظ، محمد؛ و معینی، شهرام (۱۳۹۲). سفته‌بازی کوتاه‌مدت در بازارهای اقتصادی و مالی (بررسی فقهی - اقتصادی)، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، ۱۰(۲۰)، ۲۹-۵۶.

یونس مصری، رفیق (۱۴۱۳ق). اصول الاقتصاد الاسلامی (چاپ دوم). دمشق، دارالعلم و بیروت: الدار الشّامیه.

The Holy Quran.

- Abdullah, A; & Awaizah, M., (2010). *The Theory of Risk in the Islamic Economy*, Jeddah: Al-Mahad Al-Islami for Islamic Thought. (In Persian).
- Abrol, P. N., & Sharma, S.D, (2003). *Encyclopedic Dictionary of Financial Management*, New Delhi: Anmol Publications PVT.LTD.
- Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI), (2017). Shari'ah Standards for Islamic Financial Institutions, Safar 1439 A.H. Manama, Kingdom of Bahrain.
- Al-Suwailim; (2012). "Towards an Objective Measure of Gharar in Exchange"; *Journal of Business and Management*, Vol 2, No 1,.
- Al-Yousef, Y. K. (2005). Speculative Capital: An Islamic View. In *6th International Conference on Islamic Economics and Finance, Jakarta*. 21-24.
- Bahrami Ahmadi, H., (2008). *Rules of Jurisprudence* (Abbreviated Seventy-Seven Rules of Legal Jurisprudence with Application to Laws (Volume 1). Tehran: Imam Sadiq University, Peace be Upon Him. (In Persian).
- Bektash, M, K., (1391). Legitimacy of Generating Income "Risk and Danger" in Financial Markets from the Perspective of Imami Jurisprudence. *Bi-Quarternal of Economic Knowledge*, 4(13), 115-141. (In Persian).
- Derakhshan, M. (2013). *Derivatives and Risk Management in Oil Markets* (First Edition). Tehran: Institute of International Energy Studies. (In Persian).
- El-Gamal, M. (2001). An Economic Explication of the Prohibition of Gharar in Classical Islamic Jurisprudence. *Islamic Economic Studies*, 8(2).
- Fatant Fard, M., (1376). The Time Value of Money from the Point of View of Financial Management and Jurisprudence of Jafari (Master's thesis). Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (In Persian).
- Ghaffari, H., (2012). Legitimacy of Financial Risk from the Perspective of Islamic Teachings. *Islamic Finance Research Quarterly*, 1(2), 69-86. (In Persian).
- Hosseinzadeh, J., (1391). Legal Review of the Structure and Validity of the Same Futures Contract, *Judiciary Legal Quarterly*, 20(80), 169-195. (In Persian). DOI: 10.22106/jlj.2012.11042
- Hull, J. C. (2003). *Options Futures and other Derivatives*. Pearson Education India.
- Hudson, A. (2017). *The law on financial derivatives* (No. 6). Sweet and Maxwell Ltd..
- Khalili Iraqi, M; Nobahar, E; & Ghaemi; A. (2012). An Application of Game Theory in Islamic Economics. *Economic Research Quarterly*, 13(51), 87-108. (In Persian).

- Mesbahi Moghadam, G, R; & Rostamzadeh Ganji, I., (1386). Gharar in Transactions of Authority Over Shares from the Perspective of Imamiyyah Jurisprudence. *Economic Inquiries Quarterly*, 4(8), 39-64. (In Persian).
- Mesbahi Moghadam G, R; & Safari, M. (2008). Investigating Income from risk Tolerance from the Perspective of Islamic Teachings, *Islamic Economics Quarterly*, 9(36), 117-148. (In Persian).
- Mohammadi, M., (2014). The Optimal Model of Takaful from the Perspective of the Beneficiaries Based on Imami Jurisprudence (Doctoral Dissertation). Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (In Persian).
- Motahari, M., (Bita). A Comment on the Economic System of Islam. Tehran: Shahid Motahari Scientific and Cultural Foundation. (In Persian).
- Mousavi Khoei, S, A., (1409 AH). *The Basics of al-Arwa al-Waghti* (Volume 1, 1st edition), Qom: Dar al-Alam-Lotfi school pamphlets. (In Persian).
- Mousavi Khoei, S, A., (1412 AH). *Misbah al-Faqaha fi al-Mamalat* (volume five). Beirut: Dar al-Hadi. (In Persian).
- Mousavi, S, M, S; & Raisi, R., (2017). Jurisprudential and Ethical Analysis of Business Risk and its Comparison with Gharr, Emphasizing the General Rules of Risk Income Generation. *Ethical Research Quarterly*, 8(32), 225-245. (In Persian).
- Mousaviyan S, A; Alizadeh Asl, M., (2014). Investigating the Relationship Between Risk and Profit in Islamic Financial Markets. *Islamic Economics Quarterly*, 15(59), 65-94. (In Persian).
- Mousaviyan, S, A; Alizadeh Asl, M., (2014). Examining the Rule of Thumb in New Deals. *Islamic Financial Research Quarterly*, 3(9), 5-36. (In Persian).
- Mustafavi, H., (1368). *Research in the Words of the Holy Qur'an* (volume six, First Edition). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian).
- Najafi, S M, H., (1981 AD). *Jawaharlal Kalam in the Description of Sharia al-Islam* (Vol. 43, 7th edition). Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi. (In Persian).
- Qalachi, M, R., (1412 AH). *Discussions in the Islamic Economy of Usula al-Fiqhiyyah*. Beirut: Dar al-Nafais for Printing and Publishing. (In Persian).
- Rai, R; & Telangi, A., (2007). *Advanced Investment Management of Tehran* (Second Edition). Tehran: Organization for Studying and Compiling Academic Books in Islamic and Human Sciences (Samt). (In Persian).
- Rejda, G. E. (2011). *Principles of Risk Management and Insurance*. Pearson Education India.
- Sadeghi Shahabi, M; & Pakzat, S, M., (2017). Investigating Suspected Gambling in Zero-Sum Transactions. *Bi-Quarterly Journal of Islamic Economic Studies*, 11(21), 69-88. (In Persian).
- Sadr, S, M, B., (1417 AH). *Khorasan*, Khorasan: School of Islamic Studies. (In Persian).
- Sadr, S, M, B., (1357). *Our Sconomy, Studies about the Economic School of Islam* (Abdul Ali Espahbadi, Translator) Tehran: Islamic. (In Persian).
- Shabani, A; & Baharundi, A., (2009). Futures Contracts and Currency Options from a Jurisprudential and Economic Point of View. *Bi Quarterly Journal of Islamic Economic Studies*. 3(5), 37-68. (In Persian).

- Taskhiri, M, A., (2012). The Reason for the Negation of Gharr and its Effect on Transactions. *Two Quarterly Journal of Comparative Jurisprudence*, 1(1), 33-54. (In Persian).
- Tayibi, S, K; Khanizadeh Amiri, M; & Moini, S., (2011). Theoretical Analysis of Entrepreneurial and Non-Entrepreneurial Business in Islamic Economy. *Entrepreneurship Development Quarterly*, 4(18), 27-46. (In Persian). DOI: 10.22059/jed.2013.36244
- Waez, M; & Moini, S., (2012). Short-term Speculation in Economic and Financial Markets (Jurisprudential- Economic Review), *Bi-quarterly Journal of Economic Essays*, 10(20), 29-56. (In Persian).
- Vaughan, J.E. J., & Vaughan, M, T. (2014). *Fundamentals of Risk and Insurance*, 11th Edition, John Wiley & Sons.
- Yunus Masri, R., (1413 AH). *Principles of Islamic Economics (Second Edition)*. Damascus, Dar al-Alam and Beirut: Al-Dar al-Shamiya. (In Persian).